

فرا تحلیلی بر تحقیقات انجام‌شده در زمینه علل شخصیتی و ارتباطی طلاق

رویا اسدی^۱، رضا اسماعیلی^۲، سعیده گروسی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۸

چکیده

هیچ عصری مانند عصر حاضر خطر انحلال کانون خانوادگی و عوارض سوء ناشی از آن مورد توجه قرار نگرفته است و در هیچ عصری مانند این عصر عملاً بشر دچار این خطر و آثار سوء ناشی از آن نبوده است. پیچیده‌ترین رابطه‌ها، روابطی است که میان زن و شوهر وجود دارد لذا دستیابی به اطلاعاتی در این زمینه بسیار مشکل و در شرایطی هم غیرممکن خواهد بود. پژوهش‌های زیادی برای یافتن مهم‌ترین علل مؤثر بر طلاق، انجام شده اما به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند. به همین دلیل خلاء ناشی از فقدان روش برای سازماندهی، نمایش، پیوند دادن و سرانجام ادغام پژوهش‌های انجام شده کاملاً احساس می‌شود. پژوهش حاضر با هدف ترکیب کمی نتایج (فرا تحلیلی) پژوهش‌های انجام شده در حوزه علل شخصیتی و ارتباطی مؤثر در طلاق را مورد بررسی قرار داد. ۳۶ مطالعه از طریق جستجوی اینترنتی در بانک‌های اطلاعاتی داخلی و جستجوی دستی در پژوهشگاه علوم و فناوری ایران در بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۵ انجام شده بودند، شناسایی و اطلاعات مربوط به آن‌ها از طریق نرم‌افزار جامع فراتحلیل (CMA2) تحلیل شدند. یافته‌ها: شاخص اندازه اثر ترکیبی I برای متغیرهای شخصیتی در مدل ثابت ۰/۰۴۲ و در مدل تصادفی ۰/۰۸ و برای متغیرهای ارتباطی در مدل اثرات ثابت ۰/۰۳۴ و در مدل اثرات تصادفی ۰/۰۵۷ که با توجه به معیار کوهن میزان اندازه اثر، در هر دو عامل کم بود؛ اما در بررسی اندازه اثر تفکیکی علل شخصیتی، متغیرهای انجام کارهای خلاف و در علل ارتباطی متغیر عدم توجه و عشق اندازه اثر زیاد و رابطه مثبت با طلاق داشتند. با توجه به ناهمگنی در مطالعات، تحلیل تعدیل‌کننده‌ها صورت گرفت.

واژگان کلیدی: طلاق، فراتحلیل، عوامل شخصیتی، عوامل ارتباطی، اندازه اثر.

مقدمه

در میانه دهه ۱۹۷۰ علوم اجتماعی و رفتاری در یک بحران جدی گرفتار شده بود که بخشی از این بحران به ویژگی‌های خاص روش‌شناختی این علوم مربوط می‌شد. در این علوم

برخلاف علوم طبیعی، تبیین رفتار انسان به دلیل دشوار بودن کنترل محیط، عدم دسترسی به تعاریف پذیرفته شده‌ی عمومی و تفاوت در روش‌ها، فنون و خصوصیات نمونه‌گیری، غالباً سخت‌تر است. این ویژگی‌ها در تحقیقات علوم اجتماعی و رفتاری سبب شده تا انبوهی از پژوهش‌ها بر روی هم انباشته گردند که در اغلب موارد نتایج آن‌ها ناهماهنگ و یا متناقض بود (هانتر و اشمیت^۱، ۲۰۰۴).

از سویی دیگر، تاریخ تحولات تئوری‌های علمی در زمینه‌های علوم اجتماعی، علوم رفتاری و پزشکی نشان می‌دهد که بسیاری از این تئوری‌ها در فرآیند یک بحران اجتماعی، اقتصادی و یا سیاسی مهم و در راستای تبیین مسائل اجتماعی و روانی و به‌منظور تعدیل یا تصحیح این شرایط ابداع شده است (هومن، ۱۳۹۰). آنچه جین گلاس^۲ در سال ۱۹۷۶ در مقاله‌ی اثرگذار خود با عنوان «تحلیل اولیه، ثانوی و فراتحلیل پژوهش» با واژه فراتحلیل^۳ وضع کرد، در واقع نتیجه تلاش پژوهشگران و روش‌شناسان متعهد علوم اجتماعی و رفتاری برای غلبه بر بحران روش‌شناختی فوق‌الذکر و ارائه رویکردی جدید در بازنگری بدنه‌ی دانش موجود و پیشینه‌ی پژوهشی موضوعات مورد مطالعه بود (قاضی طباطبایی، ۱۳۸۹). فراتحلیل نقش چندوجهی در فرایندهای تحقیقی دارد که یکی از آن‌ها چاپ خلاصه است که داده‌های موجود در یک سؤال تحقیقی معلوم را ترکیب می‌کند. فراتحلیل همچنین می‌تواند یک نقش اساسی در طرح تدابیر، طراحی مطالعات جدید و انتشار نتایج داشته باشد (دلاور و گنجی، ۱۳۹۳).

تحقیقات حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی، علوم اجتماعی و سایر حوزه‌ها گاهی به نتایج متناقض می‌انجامد. زمانی که در پژوهش‌های مختلف، پژوهشگران نمونه‌های متفاوتی را مورد بررسی قرار می‌دهند، بدون شک بین نمونه‌های آن‌ها تفاوت‌های فراوانی قابل مشاهده است. با توجه به تعدد و نوع هدف، موضوع، جامعه پژوهشی، طرح تحقیق و عوامل متعدد دیگر یافته‌های برخی از این پژوهش‌ها در علوم انسانی و اجتماعی فاقد ثبات و پایایی هستند. تنها در مطالعه و پژوهش می‌تواند کفایت تحلیل یک موضوع پژوهشی را نشان دهد؛ اما گاهی اوقات ممکن است صدها پژوهش انجام شود ولی نتوان یک خلاصه یکدست و ساده از آن‌ها تکوین کرد. به همین دلیل خلاء ناشی از فقدان روش برای سازماندهی، نمایش،

-
1. Hunter and Schmidt
 2. Jane Glass
 3. Meta-analysis

پیوند دادن و سرانجام ادغام پژوهش‌های انجام شده کاملاً احساس می‌شود. هدف فراتحلیل معرفی شیوه‌ی تفکری برای ترکیب پژوهش‌های انجام شده با استفاده از روش‌های آماری آموخته شده است (دلاور، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، طلاق نیز به عنوان یک مسئله اجتماعی یکی از مهم‌ترین پدیده‌های حیات انسانی است. می‌توان گفت که کمتر پدیده‌ی اجتماعی وجود دارد که به پیچیدگی طلاق باشد. طلاق در طبقات اجتماعی پدیده‌ای مؤثر است که بر تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه تأثیر می‌گذارد زیرا که نظام خانواده را از هم می‌پاشد (ساروخانی، ۱۳۸۵). در این بین جامعه‌شناسان می‌کوشد تا سیر پیدایش طلاق را در سطح اجتماعی مورد بررسی قرار دهند. روان‌شناسان پدیده‌ی طلاق را نوعی گسستگی عاطفی زوجین و یا حداقل یکی از زوجین می‌دانند. این گسستگی بدون شک دردناک است و مسلماً این پدیده توأم با ضایعات و آسیب‌های متفاوت در سطح فردی و اجتماعی می‌باشد (بواله‌ری و همکاران، ۱۳۹۱).

علی‌رغم تلاش‌های فراوان و هزینه‌های بسیاری که صرف بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق شده، نتایج حاصل از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، همخوان نیست و بعضاً با نتایج متناقضی برخورد می‌شود. خطر جدی در این است که رفته‌رفته مطالعات پژوهشی در حوزه آسیب‌های اجتماعی به ویژه طلاق، پرهزینه و بی‌فایده تلقی می‌شود، زیرا علی‌رغم انجام مطالعات زیاد نمی‌توان میزان اثر هر یک از عوامل بررسی شده در پژوهش‌ها را بررسی کرد. در مجموع با توجه به ناهمخوانی‌هایی که در مقدار و میزان شاخص‌های آماری عوامل مؤثر بر طلاق در پژوهش‌های این حوزه در ایران وجود دارد، به نظر می‌رسد که انجام یک فراتحلیل، به روشن ساختن مقدار واقعی اندازه اثر عوامل شخصیتی و ارتباطی مؤثر بر طلاق کمک می‌کند.

در حقیقت ضرورت انجام پژوهش فراتحلیل عوامل مؤثر بر طلاق در تعیین اندازه اثر متغیرهای شخصیتی و ارتباطی مؤثر بر طلاق، تشخیص متغیرهای تعدیل‌کننده فردی و روش‌شناختی تأثیرگذار در این رابطه و تشخیص حوزه‌های پژوهش مسئله‌دار و همچنین حوزه تحقیقاتی که پژوهش‌های گذشته به آن نپرداخته‌اند، کمک می‌کند. همچنین پژوهش فراتحلیلی در حوزه طلاق به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا مشخص کند کدام ویژگی‌های پژوهش‌های پیشین در تفاوت اندازه اثرهای یافت شده در مطالعات نقش دارند. در نتیجه قاطعانه‌تر می‌توان درباره روابط بین عوامل شخصیتی و ارتباطی طلاق نتیجه‌گیری

کرد و از این طریق می‌توان راه‌حل مناسبی برای جلوگیری از اتلاف سرمایه‌های انسانی و اقتصادی در حوزه پژوهش درباره طلاق پیدا کرد و نهایتاً سلامت روانی افراد، خانواده و جامعه را بهبود بخشید.

بنابراین در پژوهش حاضر سعی بر این است که با مروری جامع و سیستماتیک و با روش فراتحلیلی به ارزیابی علل شخصیتی و ارتباطی مؤثر بر طلاق در ایران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۵ پرداخته شده است. در این راستا به محاسبه، مقایسه و تلفیق نتایج علل شخصیتی و ارتباطی مؤثر بر طلاق در قالب آماره «اندازه اثر»^۱ که شاخصی عینی، یکدست و قابل مقایسه بوده و برآوردی از شدت اثرگذاری می‌باشد، اقدام می‌گردد. همچنین با کدگذاری و تلخیص ویژگی‌ها و اجزای روشی، تئوریک و سایر ویژگی‌های علل شخصیتی و ارتباطی مؤثر بر طلاق علاوه بر آنکه توصیفی جامع از این ویژگی‌ها ارائه می‌گردد به تأثیر این ویژگی‌ها بر نتایج علل شخصیتی و ارتباطی مؤثر بر طلاق نیز پرداخته خواهد شد. لذا این پژوهش، با استفاده از روش فراتحلیل در پی پاسخگویی به این سؤال است که علل شخصیتی و ارتباطی مؤثر بر طلاق در پژوهش‌های ایران کدامند و مقدار اثر متغیرهای آن چه میزان است؟

احمدزاده و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان فراتحلیل رابطه‌ی سبک دلبستگی با رضایت زناشویی با استفاده از تکنیک فراتحلیل با یکپارچه کردن نتایج حاصل از نتایج تحقیقات مختلف، میزان اندازه اثر رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی را مشخص نموده است. بدین منظور ۱۸ پژوهش که از لحاظ روش شناختی مورد قبول بوده انتخاب و فراتحلیل روی آن‌ها انجام گرفت. پژوهش آن‌ها مبتنی بر ۱۹ اندازه اثر است که یافته‌های آن‌ها نشان داد میانگین اندازه اثر رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی ۰/۲۱ است که مطابق با معیار کوهن اندازه اثر پایین است؛ بنابراین بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی رابطه‌ی کمی وجود دارد.

بوستانی پور، ثنایی و کیامنش (۱۳۸۶) در فراتحلیلی اثربخشی الگوهای شناختی رفتاری در درمان مشکلات زناشویی را مورد بررسی قرار دارند. نتایج آن‌ها نشان داد ۱۷ درصد افرادی که تحت درمان زناشویی شناختی رفتاری قرار گرفتند بهبودی بالاتری را از خود نشان دادند. این میزان بهبود در حد پایین قرار دارد، یعنی احتمال بهبود زوج‌هایی که با

1. Effect size

مشکلاتی چون نارضایتی زناشویی، تعارض، عدم صمیمیت، ناسازگاری و یا افسردگی مواجه هستند و تحت درمان شناختی رفتاری قرار می‌گیرند ۱۷ درصد بیشتر از زوج‌هایی است که تحت درمان قرار نمی‌گیرند. این یافته نشان‌دهنده آن است که میزان موفقیت الگوی شناختی رفتاری در درمان چنین مشکلاتی مؤثرتر از عدم درمان است، اما نه به حدی که بتوان از آن به‌عنوان یک الگوی درمانی مناسب یاد کرد.

پولکس^۱، هولمز و باهلر (۲۰۰۷) با استفاده از روش فراتحلیل رابطه بین کیفیت زناشویی و سلامت فردی را مورد بررسی قرار دادند. به این منظور تأثیرات ۹۳ مطالعه مورد بررسی قرار گرفت. میانگین اندازه اثر ۰/۳۷ برای اثرات مقطعی و ۰/۲۵ برای اثرات طولی استخراج گردید. همچنین نتایج نشان داد چندین متغیر تعدیل‌کننده از جمله جنسیت، طول مدت زندگی زناشویی، ابزار گردآوری داده‌ها و سال گردآوری داده‌ها برای ارتباط بین کیفیت رابطه زناشویی و سلامت فردی وجود دارد. این پژوهش نشان داد که اثرات طولی به احتمال بیشتری در این پژوهش کشف نشده‌اند و بایستی در پژوهش‌های آینده مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی رویکردهای مختلف در مورد اختلافات زناشویی

رویکرد روانکاوی

یکی از ارزشمندترین نظریات در مورد ازدواج و اختلافات زناشویی نظریه روان‌پویایی است. در این مکتب رفتار بشر با استفاده از دیدگاه درون روانی شناخته می‌شود. حتی در بحث روابط زناشویی، سطح رشد درونی یکی از افراد و یا هر دو آن‌ها مهم است. بدین ترتیب رضایتمندی از ازدواج تابعی از سطوح رشد فردی یا دوطرفه زوجین می‌باشد. صحبت کردن از رضایتمندی در ازدواج بدون فهم و شناخت پیچیدگی‌های رشد فردی هر دو عضو غیرممکن است؛ بنابراین رضایتمندی از ازدواج با استفاده از نظریات روان‌پویایی مورد بحث قرار می‌گیرد. در این ارتباط دو مقوله مطرح است.

الف) نظریاتی که معتقدند شناخت رضایتمندی ازدواج، مستلزم شناخت تحول رشدی هر دو زوج است.

ب) نظریاتی که معتقدند تاریخچه رابطه موضوعی در ازدواج نقش اساسی دارد.

رویکرد رفتاری

رفتارگرایی یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌ها است که حاصل کار ایوان پاولف^۱ (۱۹۳۶)، جان ب واتسون^۲ (۱۹۵۸) و بی اف اسکینر^۳ (۱۹۸۰) می‌باشد. اسکینر (۱۹۸۰) منکر شرطی‌سازی عامل تأکیدش بر این مسئله بود که یادگیری از طریق پاداش و تنبیه انجام می‌گیرد. رویکرد رفتاری مشکلات زناشویی را بر اساس قوانین یادگیری اجتماعی تبیین می‌کند. در این مکتب، مشکلات بین فردی از طریق شناخت عواملی که در حال حاضر به تداوم اختلاف منجر می‌شود مرتفع می‌گردد. رفتارگرایان به سائق‌های ناهشیار و انگیزش درونی توجه نکردند و یک مدل موقعیتی را در نظر می‌گیرند (میشل^۴، ۱۹۶۸). مدل رضایت از ازدواج در این رویکرد، با استفاده از تئوری مبادله اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. کلی و تیبات^۵ (۱۹۵۹) معتقدند «در روابط بین فردی دوجانبه هر عضو کوشش می‌کند درحالی‌که هزینه‌ها را به حداقل می‌رساند، به حداکثر سود نائل گردد و رضامندی از ازدواج تابعی از سود و زیانی است که هرکدام از زوجین کسب می‌کنند. در ازدواج موفق هر دو نفر به کسب حداکثر پاداش با صرف حداقل هزینه نائل می‌شود. تقویت‌هایی که فرد از همسرش دریافت می‌کند نه تنها تعیین‌کننده‌ی درجه رضایت از ازدواج است، بلکه پاداشی را که وی به سوی همسرش بر میگرداند را نیز تعیین می‌کند» (جاکویمن^۶، ۱۹۸۱).

رویکرد انسان‌گرایی

در این رویکرد که به‌عنوان نیروی سوم در روان‌شناسی شناخته‌شده بشر را متفاوت از روان‌کاوی و رفتارگرایی در نظر می‌گیرد. بشر همواره در حال شدن است و تمایل ذاتی برای رشد دارد. آبرهام مازلو^۷ (۱۹۷۰) مفهوم خود شکوفایی را مطرح کرده و اشاره به فرایندهایی دارد که موجب می‌شود یک فرد کامل شود. فرد با عملکرد کامل انعطاف پذیر بوده و پذیرای تجربه است و تجربیات جدید برایش هیجان‌انگیز بوده و مسئولیت اداره زندگی خود را بر عهده دارد. بجای اینکه دیگران شیوه زندگی آن را تعیین کنند خودشان زندگی خود را بر

-
1. Paulph
 2. Watson
 3. Skinner
 4. Michelle
 5. kelley, Thibout
 6. Javamien
 7. Abraham Maslow

عهده دارند. این مکتب بر اینجا و حال دارد و گذشته نقش اساسی در رفتار بشر ندارد. جریان خود به خودی احساسات قابل ارزش است و به عنوان غریزه‌ای برای رشد در نظر گرفته می‌شود. نقطه نظر رویکرد انسان‌گرایی بر روابط زناشویی تاثیر زیادی داشته است. در این مکتب شیوه‌های قدیمی و سنتی برای سنجش رضایت از ازدواج مورد سؤال است و معتقدند ازدواجی که زوج را از رشد باز دارد منجر به اختلاف و جدایی می‌شود. روان‌شناسان انسان‌گرا، ارتباطات بشری و رشد شخصی را عنصر هسته‌ای و اساسی در رضایت از ازدواج می‌دانند. زوج‌هایی که سعی می‌کنند پذیرای یکدیگر بوده و به گونه‌ای عمیق از صمیمیت و خود ابرازی برخوردار هستند، احساس رضایت بیشتری دارند (مازلو، ۱۹۷۰).

رویکرد سیستمی

سیاری از تئوری‌ها سیستمی بر جنبه‌های کلی و تعاملی رفتار بشر توجه دارند. سیستم مجموعه پیچیده‌ای از عوامل است که این عوامل ارتباط پایداری با یکدیگر دارند. تئوری سیستم اشاره دارد که انسان جزئی از زیرگروه‌های بزرگتر (خانواده، جامعه و ملیت) است. علاوه بر این هر زیرگروه به گروه‌های کوچکتر تقسیم می‌شود و در تئوری‌های سیستمی از چگونگی مطابقت این سیستم‌ها بحث می‌شود. در دیدگاه سیستمی خانواده بیش از تک‌تک اعضای آن است و ویژگی‌هایش با ویژگی‌های فردی اعضای متفاوت می‌باشد که در قالب نقش‌ها و روابط اعضا نمود پیدا می‌کند. در این رویکرد به تبدلات خانواده جهت درمان توجه می‌شود؛ بنابراین خانواده درمانگران سعی می‌کنند دریابند که مفاهیمی مهمی همچون بخشش چگونه در سیستم خانواده عمل می‌کند و چه فرایندی را طی می‌کند (سیف و بهاری، ۱۳۸۳).

رویکرد شناختی

کلمه شناختی که از یک کلمه لاتین به مفهوم فکر کردن گرفته شده است؛ به طرز قضاوت، تصمیم‌گیری و تعبیر و تفسیر درست یا اشتباه از وقایع و اعمال دیگران اشاره دارد. همه کسانی که با پژوهش‌های اخیر روان‌شناسی‌آشنایی دارند با اهمیت نظریات بک و همکاران آگاهند. تی بک^۱ (۱۹۷۶) معتقد است مهم‌ترین علت مشکلات زناشویی و روابط انسانی سوء تفاهم است و به اعتقاد او تفاوت در نحوه نگرش افراد باعث بروز اختلافات و پیامدهای ناشی از

1. t back

آن می‌شود. نباید تصور کرد که پایه اختلافات همواره ناشی از سوءنیت طرفین و یا یکی از آنهاست، بلکه در اکثر موارد ناشی از این واقعیت است که هر یک از آنها صادقانه مسئله را به نحو متفاوتی می‌بینند. آرون بک می‌گوید: آن چه گفته می‌شود یا آن چه شنیده می‌شود، گاه کاملاً متفاوت است. طرز فکر ما تا حدود زیادی، موفقیت، خشنودی و حتی ادامه زندگی را مشخص می‌کند. با اندیشه سالم برای نیل به اهداف مجهزتر هستیم (یونسی، ۱۳۸۱).

روش

در این پژوهش از فراتحلیل به‌عنوان یک تکنیک آماری جهت تعیین، جمع‌آوری، ترکیب و خلاصه نمودن یافته‌های پژوهشی مرتبط با عوامل شخصیتی و ارتباطی مؤثر بر طلاق استفاده گردید. در روش فراتحلیل، پژوهشگر با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های توده‌ای از پژوهش‌های گذشته، در قالب مفاهیم کمی، آنها را آماده استفاده از روش‌های نیرومند آماری می‌کند. به کمک این روش می‌توان تفاوت‌های موجود در پژوهش‌های انجام شده را استنتاج کرد و در دستیابی به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست (دلاور، ۱۳۸۹).

برای استفاده از پایان‌نامه‌های کارشناسی، ارشد، دکتری و طرح‌های پژوهشی منتشر شده که به نحوی به بررسی طلاق در ایران پرداخته‌اند، ابتدا با استفاده از جستجوی اینترنتی از طریق سایت ایران داک (مرکز پایان‌نامه‌های ایرانی) و همچنین سایت جهاد دانشگاهی و سایت مگ ایران و نورمگز مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط پیدا شد. همچنین، برای یافتن پایان‌نامه‌هایی که گزارش پژوهشی آنها به صورت مقاله به چاپ نرسیده‌اند با مراجعه حضوری به پژوهشگاه علوم و فناوری ایران (IranDoc) داده‌های موردنیاز از مطالعات استخراج شد. واژه‌های کلیدی که در این منابع اطلاعاتی مورد جست‌وجو قرار گرفت شامل «طلاق»، «گرایش به طلاق»، «تعارض»، «ناسازگاری زوجین»، «جداطلبی» و «فراتحلیل» بود. برای گردآوری داده‌های موردنیاز از یک فرم کدگذاری (کاربرگ) استفاده شد که معادل پرسشنامه یا مصاحبه در انواع دیگر تحقیقات می‌باشد که مشخصات تمامی پایان‌نامه‌ها که ضروری به نظر می‌رسید در آن یادداشت شد و بعد از آن این داده‌ها در تجزیه و تحلیل، ترکیب و مقایسه شد.

در این پژوهش فراتحلیلی، داده‌های مربوط به ۵۱ مطالعه از پایگاه‌های اطلاعاتی و دانشگاه‌ها جمع‌آوری شدند. از این تعداد مطالعه جمع‌آوری شده تعدادی مطالعه به دلیل

نامناسب بودن داده‌ها، گزارش نکردن داده‌ها به صورت کامل و ارائه مطالعه فقط در سطح توصیفی و امکان محاسبه اندازه اثر آن‌ها وجود نداشت از این پژوهش حذف شدند، و در نتیجه ۱۶ مطالعه از گردونه فراتحلیل خارج گردید و فقط ۳۶ مطالعه با حجم نمونه ۱۲۶۸۰ که ملاک‌های ورود به فراتحلیل را داشتند مورد بررسی قرار گرفتند. از مطالعات فراتحلیل شده ۲۳۸ فرضیه استخراج شد و عوامل فردی - شخصیتی با ۵۴ و عوامل ارتباطی با ۵۹ فرضیه طبقه‌بندی شدند و اندازه اثر محاسبه شد. برای پیشگیری از مسئله عدم استقلال اندازه اثرها و بررسی ناهمگنی مطالعات تأثیر متغیرهای تعدیل کننده بر اندازه اثر محاسبه شده به دست آمد. برای انجام عملیات آماری فراتحلیل از ویرایش دوم نرم‌افزار جامع فراتحلیل (CMA2) استفاده شد این نرم‌افزار امکان محاسبه سوگیری انتشار، ناهمگنی مطالعات، تحلیل حساسیت و تحلیل تعدیل کننده‌ها را فراهم می‌کند (دلاور و گنجی، ۱۳۹۰). در این پژوهش به بررسی عوامل شخصیتی و ارتباطی مؤثر بر طلاق مورد بررسی قرار گرفت به این خاطر ضریب همبستگی به عنوان برآورد کننده اندازه اثر در هر مطالعه انتخاب شد. پس از ورود داده‌ها به نرم‌افزار و تحلیل حساسیت، اندازه اثر ترکیبی متغیرها تحت هر دو مدل ثابت و تصادفی محاسبه گردید. به علاوه جهت بررسی سوگیری انتشار از نمودار قیفی، آزمون رگرسیون ایگر، آزمون N ایمن از خطا و اصلاح و برازش دوال و توئیدی و برای تحلیل همگنی مطالعات از آزمون‌های Q و I^2 استفاده شده است.

با توجه به معنادار شدن آماره Q کوکران از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه جهت بررسی نقش تعدیل کننده‌های مقوله‌ای متغیرهای فردی و روش‌شناسی (جنسیت، محل انجام پژوهش، نوع پژوهش، حجم نمونه، سال انتشار پژوهش و روش نمونه‌گیری) استفاده شد. در این پژوهش به دلیل ناهمگن بودن نتایج از مدل تصادفی استفاده شد. چون در صورت وجود ناهمگنی مدل اثرات تصادفی بر مدل اثرات ثابت ارجحیت دارد. این مدل محدودیت فرضیه‌ای که تمام مطالعات باید از توزیع یکسانی آمده باشند را ندارد، بنابراین فاصله اطمینان گسترده‌تر و مدل محتاطانه‌تر می‌شود.

ویژگی مطالعات

از مجموع ۳۶ مطالعه وارد شده به تحلیل، بر طبق نتایج، نحوه انتشار مطالعات فراتحلیل شده، بیشترین تعداد مربوط به مقاله‌ها بود که ۶۸ درصد از کل مطالعات را در بر می‌گیرد. بیشتر مطالعات فراتحلیل جمع‌آوری شده (۳۷ درصد) بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲ انجام شده‌اند که

این موضوع با توجه به افزایش چشمگیر پدیده‌ی طلاق در سال‌های اخیر قابل توجه می‌باشد. بیشتر مطالعات فراتحلیل برحسب محل انجام آن‌ها (۸۲/۸) مربوط به استان‌ها است. بیشتر پژوهش‌ها (۷۷ درصد) از هر دو جنس (زن و مرد) در پژوهش‌های خود استفاده کرده بودند. بیشتر مطالعات بررسی در فراتحلیل برحسب روش مطالعه (۸۰ درصد) از روش پژوهش پیمایشی استفاده کرده‌اند. بیشترین روش نمونه‌گیری در مطالعات مورد بررسی در فراتحلیل (۲۲/۸) نمونه‌گیری خوشه‌ای است. بیشتر مطالعات فراتحلیل شده برحسب مقیاس جامعه آماری (۹۷ درصد) در جامعه شهری انجام شده‌اند. بیشتر مطالعات مورد بررسی در فراتحلیل (۵۴/۲ درصد) حجم نمونه ۲۰۱-۴۰۰ داشته‌اند.

یافته‌ها

در جدول ۱ نتایج فراتحلیل مربوط به عوامل شخصیتی مؤثر بر طلاق گزارش شده است. اندازه اثر ترکیبی مطالعات در مدل اثرات ثابت ۰/۰۴۲ و در مدل اثرات تصادفی ۰/۰۸ به دست آمده که بر طبق معیار مطرح شده توسط کوهن (۱۹۹۲) اندازه اثر ترکیبی در هر دو مدل کم است؛ اما بیشترین اندازه اثر مربوط به متغیرهای، انجام کارهای خلاف ۰/۵۳، زمان طلاق ۰/۴۵، خشونت ۰/۴۶، وفاداری ۰/۳۵ است و اندازه اثر متغیرهای و بلوغ فکری و عاطفی ۰/۳، میزان دستیابی به اهداف ۰/۲۷ متوسط هستند. کمترین اندازه اثر مربوط به جنسیت ۰/۰۰۱ است.

جدول ۱. اندازه اثر متغیرهای شخصیتی

ردیف	شاخص آماری متغیر	تعداد تکرار	میانگین اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	Z	سطح معناداری
۱	مشکلات شخصیتی	۱۰	-۰/۰۶	-۰/۲۱	۰/۱	-۲۰/۷۳	۰/۴۶۲
۲	سن زوجین	۵	-۰/۰۹	-۰/۲	۰/۰۲	-۱/۴۹	۰/۱۳۴
۳	خشونت	۵	۰/۴۶	۰/۱۴	۰/۶۹	۲/۷۵	۰/۰۰۶**
۴	تعداد فرزندان	۵	۰/۲۱	-۰/۰۴	۰/۴۴	۱/۶۵	۰/۰۹۸
۵	تفاوت سنی	۵	۰/۰۹	۰/۰۰۷	۰/۱۷	۲/۱۱	۰/۰۳
۶	وفاداری	۳	-۰/۳۵	-۰/۶۲	-۰/۰۱	-۲/۰۱	۰/۰۴۴
۷	جنسیت	۲	۰/۰۰۱	-۰/۱۹۲	۰/۱۹۴	۰/۰۰۹	۰/۹۹۳
۸	بیماری جسمی	۲	۰/۰۹۶	-۰/۰۱	۰/۲	۱/۷۴	۰/۰۸*
۹	سوءظن	۲	۰/۱۱۶	-۰/۰۴	۰/۲۶	۱/۴۴	۰/۱۵۰
۱۰	مدت زناشویی	۲	-۰/۱۱	-۰/۲۱	-۰/۰۰	-۱/۹۶	۰/۰۴۹

۰/۰۷۲	۱/۷۹	۰/۳۳	-۰/۰۱	۰/۱۶۶	۲	نازایی	۱۱
۰/۱۸	۱/۳۴	۰/۱۷	-۰/۰۳	۰/۰۷	۲	محل تولد زوجین	۱۲
۰/۰۲۲	-۲/۲۹	-۰/۰۷	-۰/۷۲	-۰/۴۵	۲	زمان طلاق	۱۳
۰/۰۰۱**	۵/۶۰	۰/۳۶	۰/۱۸	۰/۲۷	۱	میزان دستیابی به اهداف	۱۴
۰/۰۰۱**	۳/۱۹	۰/۱۶	۰/۰۴	۰/۱	۱	عدم احساس مسئولیت	۱۵
۰/۵۱	۰/۶۵	۰/۰۸	-۰/۰۴	۰/۰۲	۱	زندانی بودن	۱۶
۰/۰۰۱**	۶/۱۶	۰/۳۸	۰/۲	۰/۳	۱	عدم بلوغ فکری و عاطفی	۱۷
۰/۰۰۱**	۶/۵	۰/۶۴	۰/۳۹	۰/۵۳	۱	انجام کارهای خلاف	۱۸
۰/۲۲۱	-۱/۲۲	۰/۰۵	۰/۲۲	-۰/۰۸۷	۱	سن زن	۱۹
۰/۳۸۴	-۰/۸۷	۰/۰۷	۰/۱۹۹	-۰/۰۶	۱	سن شوهر	۲۰
۰/۰۰۱**	۶/۳۲	۰/۰۵۵	۰/۰۲۹	۰/۰۴۲	۵۴	مدل اثرات ثابت	نتیجه
۰/۰۰۱**	۶/۳۱	۰/۱	۰/۰۵۸	۰/۰۸	۵۴	مدل اثرات تصادفی	کلی

** معنی داری در سطح ۰/۰۱ * معنی داری در سطح ۰/۰۵

با توجه به جدول ۲، برای ارزیابی میزان همگنی مطالعات از آزمون Q استفاده شده است. نتایج آماره Q با احتمال کمتر از ۰/۰۱ معنادار است؛ بنابراین فرض صفر مبتنی بر همگنی مطالعات رد می شود و نتیجه می گیریم که گروه مطالعات تحت بررسی، ناهمگن هستند. همچنین شاخص I² نشان می دهد که ۹۵ درصد از تغییرات کل مطالعات به دلیل ناهمگنی مطالعات می باشد و تقریباً بیشتر ناهمگنی به علت تفاوت بین مطالعاتی است یکی از دلایل ناهمگنی وجود متغیرهای تعدیل کننده است.

جدول ۲. نتایج آزمون همگنی مطالعات

آماره Q	درجه آزادی	سطح معناداری	I ²
۱۲۵۵/۳۹۹	۵۳	۰/۰۰۱**	۹۵

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود، ۶۳۶ مطالعات گم شده (با میانگین اثر صفر) باید به تحلیل افزوده شود تا به یک اندازه اثر کلی نامعنادار آماری بیانجامد و آلفا بیشتر از

۰/۰۵ شود. با توجه به بالا بودن این تعداد می توان گفت اندازه اثر کلی قابل اعتماد است و سوگیری انتشار نتایج را تهدید نمی کند.

جدول ۳. نتایج سوگیری انتشار

Z مطالعات مشاهده شده	مقدار P	Z آلفا	آلفا	تعداد مطالعات مشاهده شده	تعداد مطالعات جافاده
۷	۰/۰۰۱**	۱/۹۵	۰/۰۵	۵۴	۶۳۶

بر طبق اطلاعات مندرج در جدول ۴ نتایج آزمون اصلاح برازش دووال و تئیدی نشان می دهد که در مدل ثابت ۱ مطالعه باید به سمت راست نمودار اضافه شود تا نمودار قیفی مطالعات متقارن شود که در این صورت میانگین اندازه اثر در مدل اثرات ثابت از ۰/۰۴۲ به ۰/۰۴۶ افزایش می یابد و در مدل اثرات تصادفی باید ۱۳ مطالعه به سمت راست نمودار اضافه شود تا نمودار قیفی متقارن شود. هیچ مطالعه ای به سمت چپ نمودار در مدل تصادفی اضافه نشده است.

جدول ۴. آزمون اصلاح و برازش دووال و تئیدی عوامل شخصیتی

شاخص آماری	سمت راست نمودار			سمت چپ نمودار		
	اندازه اثر مشاهده شده	اندازه اثر تعدیل شده	اندازه اثر افزوده شده	اندازه اثر مشاهده شده	اندازه اثر تعدیل شده	اندازه اثر افزوده شده
مدل اثرات ثابت	۰/۰۴۲	۰/۰۴۶	۱	۰/۰۴۲	۰/۰۴۲	۰
مدل اثرات تصادفی	۰/۰۴۲	۰/۱	۱۳	۰/۰۴۲	۰/۰۴۲	۰

نتایج آزمون تفاوت Z جدول ۵ بیانگر آن است که بین اندازه اثر طبقات مختلف متغیرهای (جنسیت، نوع پژوهش و محل انجام پژوهش) تفاوت معناداری وجود ندارد. به همین شکل نتایج آماره Q برای این متغیرها نیز معنی دار نیست. در نتیجه متغیرهای نوع پژوهش و محل انجام پژوهش و جنسیت اثر تعدیل کننده بر اندازه اثر متغیرهای شخصیتی بر طلاق ندارند و این متغیر عامل تأثیرگذاری در اندازه اثر به دست آمده نیستند؛ اما نتیجه آزمون تفاوت Z برای متغیر روش نمونه گیری در سطح ۰/۰۱ معنی دار است و آماره Q نیز در

سطح ۰/۰۱ معنی دار است. در نتیجه متغیر روش نمونه گیری اثر تعدیل کننده بر رابطه بین متغیرهای شخصیتی و طلاق دارد.

جدول ۵. متغیرهای تعدیل کننده مؤثر بر عوامل شخصیتی

شاخص آماري متغیر تعدیل کننده	تعداد متغیر	میانگین اندازه اثر	۹۵ درصد		آزمون Z	سطح معنی داری Z	آزمون Q	سطح معنی داری Q
			حد پایین	حد بالا				
جنسیت					۰/۹۶۱	۰/۳۳۶	۱/۹۴	۰/۱۶۴
زن	۱۱	۰/۱۸	-۰/۰۴۲	۰/۳۹				
هر دو	۴۳	۰/۰۱۸	-۰/۰۴۵	۰/۸۱				
محل انجام تحقیق					۱/۵۲	۰/۱۲۷	۰/۰۱۳	۰/۹۰۹
تهران	۵	۰/۶۶	-۰/۰۱۷	۰/۱۱۷				
سایر شهرها	۴۹	۰/۰۵	-۰/۱۹۹	۰/۳۲۲				
روش نمونه گیری					۳/۰۴	۰/۰۰۲**	۱۵/۵	۰/۰۱**
نظام مند	۱۲	۰/۱۲۳	۰/۰۳۹	۰/۲۰۸				
خوشه ای	۱۰	-۰/۰۶	-۰/۱۹	-۰/۹۴۸				
سه میه ای	۱	۰/۰۳	-۰/۱۱	۰/۴۲۱				
در دسترس	۱۲	-۰/۰۵۸	-۰/۱۹۳	-۰/۸۲۴				
تصادفی	۱۴	۰/۱۸۷	۰/۰۱۳	۲/۱				
سرشماری	۴	-۰/۰۵۸	-۰/۵۴	-۰/۲۰۶				
غیر احتمالی	۱	۰/۱۸۷	۰/۰۷۵	۳/۲۵				
نوع پژوهش					۱/۵۲	۰/۱۲۷	۰/۰۰۷**	۰/۹۳۶
مقاله	۴۳	۰/۰۵	-۰/۰۱	۰/۱۱				
پایان نامه	۱۱	۰/۰۶	-۰/۱۷	۰/۲۹				

نتایج تحلیل فرارگرسیون در جدول ۶ نشان می دهد که اندازه اثر متغیرهای شخصیتی بر طلاق تحت تأثیر سال انتشار پژوهش است. البته تقریباً شیب خط رگرسیون منفی است که نشان می دهد که رابطه متغیرهای شخصیتی و طلاق تقریباً یک روند کاهشی دارد همچنین، نتایج تحلیل فرا رگرسیون برای بررسی تأثیر تعدیل کنندگی حجم نمونه پژوهش های

فرا تحلیل شده نیز نشان می دهد که تأثیر متغیرهای شخصیتی بر طلاق در پژوهش های انجام شده تحت تأثیر حجم نمونه های مختلف است.

جدول ۶. تحلیل تعدیل کننده های پیوسته سال انتشار پژوهش، حجم نمونه

نتایج تحلیل فرار گریسون متغیر تعدیل کننده	β	%۹۵		z	سطح معنی داری	آزمون Q	سطح معنی داری
		حد بالا	حد پایین				
سال انتشار پژوهش	-۰/۰۰۷۶	-۰/۰۱۰۱	-۰/۰۰۰۵	-۵/۸۳	۰/۰۰۱**	۳۴	۰/۰۰۱**
حجم نمونه	-۰/۰۰۰۰۸	-۰/۰۰۰۰۱	-۰/۰۰۰۰۶	-۷/۷۹	۰/۰۰۱**	۶۰/۸۲	۰/۰۰۱**

در جدول ۷ نتایج فرا تحلیل مربوط به عوامل ارتباطی مؤثر بر طلاق گزارش شده است. اندازه اثر ترکیبی مطالعات در مدل اثرات ثابت ۰/۰۳۴ و در مدل اثرات تصادفی ۰/۰۵۷ به دست آمده که بر طبق معیار مطرح شده توسط کوهن (۱۹۸۸) اندازه اثر ترکیبی در هر دو مدل کم است؛ اما بیشترین اندازه اثر مربوط به متغیرهای، عدم توجه و عشق ۰/۶۷، برآورده نشدن انتظارات ۰/۶۶، مشکلات جنسی ۰/۵۴، فرزندپروری ۰/۷۸ و رضایت جنسی و عاطفی ۰/۳۶- است. البته متغیر رضایت جنسی و عاطفی رابطه منفی با طلاق دارد؛ و اندازه اثر متغیرهای مدت آشنایی قبل ۰/۳-، اعمال قدرت به اعضا ۰/۲۹ متوسط هستند. کمترین اندازه اثر مربوط به سابقه طلاق والدین ۰/۰۴ است.

جدول ۷. اندازه اثر متغیرهای ارتباطی

ردیف	شاخص آماری متغیر	تعداد تکرار	میانگین اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	Z	سطح معناداری
۱	رضایت جنسی و عاطفی	۱۳	-۰/۳۶	-۰/۴۹	-۰/۲۲	-۴/۸۵	۰/۰۰۱**
۲	برآورده نشدن انتظارات	۷	۰/۶۶	۰/۴۶	۰/۸	۵/۳۱	۰/۰۰۱**
۳	عدم تفاهم	۶	۰/۲۴	۰/۱۳	۰/۳۶	۴/۰۴	۰/۰۰۱**
۴	ازدواج تحمیلی	۶	۰/۱۸	۰/۰۶	۰/۲۸	۳/۰۹	۰/۰۰۲**
۵	مدت آشنایی قبل	۵	-۰/۳	-۰/۴۵	-۰/۱۳	-۳/۳۸	۰/۰۰۱**

۰/۱۹۳	۱/۳	۰/۴۶	-۰/۱	۰/۲	۳	ارتباط زوجین	۶
۰/۰۴۶	۱/۹۹	۰/۲۹	۰/۰۰۳	۰/۱۵	۳	روابط نامشروع	۷
۰/۰۰۶**	۲/۷۶	۰/۴۷	۰/۰۸	۰/۲۹	۲	اعمال قدرت به اعضا	۸
۰/۴۷۵	-۰/۷۱	۰/۰۸	-۰/۱۸	-۰/۰۵	۲	چگونگی رابطه با دوستان	۹
۰/۰۴۶	-۱/۹۹	-۰/۰۰	-۰/۱۴	-۰/۰۷	۲	شیوه همسرگزینی	۱۰
۰/۰۷۷	۱/۷۷	۰/۵۴	-۰/۰۳	۰/۲۸	۲	توقعات بی جا	۱۱
۰/۰۰۵**	۲/۷۸	۰/۱۳	۰/۰۲	۰/۰۸	۲	ازدواج موقت و مجدد	۱۲
۰/۰۰۱**	۱۷/۹۶	-۰/۵۷	-۰/۶۷	-۰/۶۲	۱	نظم در درون خانواده	۱۳
۰/۶	-۰/۵۲	۰/۱۱	-۰/۱۹	-۰/۰۴	۱	سابقه طلاق در میان آشنایان زوجین	۱۴
۰/۰۰۱**	۸/۴۸	۰/۶۳	۰/۴۳	۰/۵۴	۱	مشکلات جنسی	۱۵
۰/۰۰۱**	۱۴/۶۷	۰/۸۲	۰/۷۲	۰/۷۸	۱	فرزند پروری	۱۶
۰/۵۹	۰/۵۳	۰/۰۸	-۰/۰۴۶	۰/۰۱۷	۱	عدم تمکین	۱۷
۰/۰۰۱**	۱۵/۱۷	۰/۷۲	۰/۶۰	۰/۶۷	۱	عدم توجه و عشق	۱۸
۰/۰۰۱**	۵/۸۴	۰/۰۴۶	۰/۰۲۳	۰/۰۳۴	۵۹	مدل اثرات ثابت	نتیجه
۰/۰۰۱**	۴/۴	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۰۵۷	۵۹	مدل اثرات تصادفی	کلی

** معنی داری در سطح ۰/۰۱ * معنی داری در سطح ۰/۰۵

به منظور بررسی سوگیری انتشار از آزمون رگرسیون ایگر و اصلاح و برازش دوال و توئیدی و آزمون IN ایمن از خطای کلاسیک استفاده شد. نتایج به دست آمده در جدول ۸، حاکی از عدم انحراف معنادار اثر از خط رگرسیون و در نتیجه عدم سوگیری در مطالعات است.

جدول ۸. آزمون رگرسیون ایگر عوامل ارتباطی

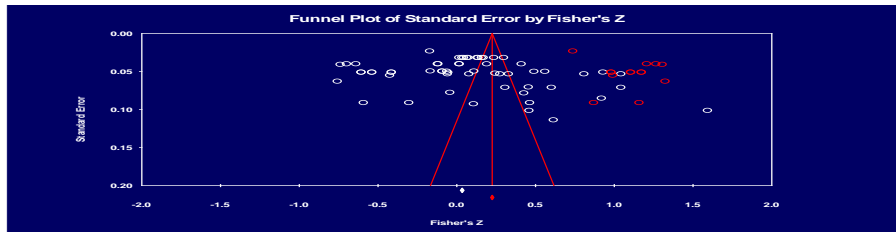
انحراف مورد انتظار	سطح اطمینان ۹۰٪		خطای استاندارد	T آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری دو دامنه
	حد بالا	حد پایین				
۴/۴۶	۱۱/۲۸	-۲/۳۶	۳/۴	۱/۳	۵۷	۰/۱۹

آزمون N ایمن از خطای کلاسیک در جدول ۹، به این سؤال که سوگیری انتشار وجود دارد به طور مستقیم پاسخ نمی دهد. بلکه بیان می کند در صورتی که سوگیری انتشار وجود داشته باشد چه تعداد مطالعات جا افتاده با میانگین صفر لازم است به تحلیل اضافه شود تا یافته های فراتحلیل را بی اثر کند. در پژوهش حاضر، ۱۲۳۱ مطالعات گم شده (با میانگین اثر صفر) باید به تحلیل افزوده شود تا به یک اندازه اثر کلی نامعنادار آماری بیانجامد و آلفا بیشتر از ۰/۰۵ شود. بالا بودن این تعداد نشان می دهد که اعتبار اندازه اثر به دست آمده بالا است.

جدول ۹. آزمون N ایمن از خطای کلاسیک عوامل ارتباطی

Z مطالعات مشاهده شده	مقدار P	Z آلفا	آلفا	تعداد مطالعات مشاهده شده	تعداد مطالعات جا افتاده
۹/۱۶	۰/۰۰۱**	۱/۹۵	۰/۰۵	۵۹	۱۲۳۱

با توجه به نمودار شماره ۱، نتایج به دست آمده از آزمون برازش دووال و تئیدی عوامل ارتباطی نشان داد که در مدل ثابت ۸ مطالعه باید به سمت چپ نمودار اضافه شود تا نمودار کیفی مطالعات متقارن شود که در این صورت میانگین اندازه اثر در مدل اثرات ثابت از ۰/۰۳۴ به ۰/۰۲۴ تغییر می یابد و در مدل اثرات تصادفی باید ۱۴ مطالعه به سمت راست نمودار اضافه شود تا نمودار کیفی متقارن شود. هیچ مطالعه ای به سمت چپ نمودار در مدل تصادفی و به سمت راست نمودار در مدل ثابت اضافه نشده است نامتقارن بودن نمودار کیفی تأیید بر سوگیری انتشار نیست. این مطلب می تواند ناشی از ناهمگنی اندازه اثرها باشد. شکل نمودار می تواند ناشی از عوامل دیگر هم باشد. مطالعات افزوده شده به سمت چپ با رنگ قرمز نشان دهنده مطالعاتی است که برای متقارن شدن نمودار کیفی در مدل تصادفی به آن افزوده شده است.



نمودار ۱. نمودار کیفی عوامل ارتباطی مؤثر بر طلاق

با توجه به جدول ۱۰، برای ارزیابی میزان همگنی مطالعات از آزمون Q استفاده شده است. نتایج آزمون Q نشان می‌دهد که آماره Q با احتمال کمتر از ۰/۰۱ معنادار است؛ بنابراین فرض صفر مبتنی بر همگنی مطالعات رد می‌شود یعنی گروه مطالعات تحت بررسی ناهمگن هستند. همچنین شاخص I^2 نشان می‌دهد که ۹۸ درصد از تغییرات ناشی از تفاوت بین مطالعات است به همین دلیل در ادامه متغیرهای تعدیل کننده بررسی می‌شوند.

جدول ۱۰. نتایج آزمون همگنی مطالعات

آماره Q	درجه آزادی	سطح معناداری I^2
۴۲۶۳/۶۶	۵۸	۰/۰۰۱**

نتایج آزمون تفاوت Z جدول ۱۱، بیانگر آن است که بین اندازه اثر طبقات مختلف متغیرهای (نوع پژوهش و روش نمونه‌گیری) در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ تفاوت معناداری وجود دارد؛ و نتایج آماره Q برای این دو متغیر در سطح ۰/۰۱ معنی دار هستند. در نتیجه متغیرهای نوع پژوهش و روش نمونه‌گیری اثر تعدیل کننده بر اندازه اثر متغیرهای ارتباطی بر طلاق دارند. همچنین نتایج آزمون تفاوت Z و آماره Q برای متغیر جنسیت و محل پژوهش معنی دار نیستند در نتیجه متغیر جنسیت و محل پژوهش نمی‌توانند به عنوان یک عامل تأثیرگذار در رابطه با اندازه اثر متغیرهای ارتباطی و طلاق در نظر گرفته شوند.

جدول ۱۱. تحلیل متغیرهای تعدیل کننده مؤثر بر عوامل ارتباطی

شاخص آماره متغیر تعدیل کننده	تعداد متغیر	میانگین اندازه اثر	۹۵ درصد		آزمون Z	سطح معنی داری Z	آزمون Q	سطح معنی داری Q
			حد پایین	حد بالا				
جنسیت	۱۳	۰/۲۷	-۰/۰۲	۰/۵	۱/۳۲	۰/۱۸۴	۲/۱۸	۰/۱۳۹
هر دو	۴۶	۰/۰۴	-۰/۰۶	۰/۱				
تهران	۳	۰/۱	-۰/۶۸	۰/۷۸	۱/۸۸	۰/۰۶	۰/۰۰۱	۰/۹۷۴
روش نمونه گیری	۱۵	۰/۲۸	۰/۱۸	۰/۳۶	۳/۶۸	۰/۰۰۰**	۳۶/۴۲	۰/۰۰۱**
خوشه ای	۲۲	-۰/۲۱	-۰/۳۴	-۰/۰۷۲				
در دسترس	۳	۰/۴۱	-۰/۱۴	۰/۷۷				
سرشماری	۱۲	۰/۳۴	۰/۰۸	۰/۵۶				
نوع پژوهش	۴۶	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۲۱	-۱۲/۴۱	۰/۰۰۰**	۱۷۳/۸۶	۰/۰۰۱**
پایان نامه	۱۲	۰/۰۷	-۰/۰۲	۰/۳۵				
طرح پژوهشی	۱	-۰/۶۲	-۰/۶۷	-۰/۵۷				

در این فراتحلیل برای بررسی اثر تعدیل کننده متغیرهای پیوسته از روش رگرسیون استفاده شد. نتایج تحلیل فرارگرسیون در جدول ۱۲، نشان می دهد که تأثیر عوامل ارتباطی بر طلاق تابعی از سال انتشار پژوهش هستند، یعنی سال انتشار پژوهش در اندازه اثر متغیرهای ارتباطی بر طلاق تأثیر گذار هستند. همچنین شیب خط رگرسیون منفی است که نشان می دهد یک روند کاهشی در رابطه متغیرهای ارتباطی و طلاق وجود دارد.

جدول ۱۲. تحلیل تعدیل کننده‌ها سال انتشار پژوهش، حجم نمونه مربوط به متغیرهای ارتباطی

نتایج تحلیل فرارگرسیون متغیر تعدیل کننده	β	%۹۵		z	سطح معنی داری	آزمون Q	سطح معنی داری
		حد پایین	حد بالا				
سال انتشار پژوهش	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۱۲	-۱۱/۸۴	۰/۰۰۱**	۱۴۰/۳۹	۰/۰۰۱**
حجم نمونه	-۰/۰۰۰۰۸	-۰/۰۰۰۰۱	-۰/۰۰۰۰۶	-۶/۲۱	۰/۰۰۱**	۳۸/۶۲	۰/۰۰۱**

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد با نگاهی متفاوت و نگرشی جامع تر و با یکپارچه کردن میزان اندازه اثر به مطالعه تاثیر عوامل شخصیتی و ارتباطی بر طلاق پرداخته شده است. فراتحلیل با یکپارچه کردن نتایج حاصل از پژوهش‌های مختلف که روی نمونه‌های متعددی اجرا شده‌اند، دیدگاه جامع‌تری از اثر متغیرهای گوناگون به دست می‌دهد. در واقع، با در کنار هم قرار دادن نتایج حاصل از انجام یک پژوهش روی نمونه‌ای از یک جامعه، افراد مختلف بررسی می‌شوند. چنین یافته‌هایی در جوامعی، همچون جامعه ما که گوناگونی بیشتری دارد مهم تر و حائز اهمیت است؛ زیرا این گوناگونی، تفاوت‌های بیشتری را به همراه دارد، به‌ناچار باید اطلاعات متعددی را از نمونه‌های مختلف این جامعه، در دست داشت تا با یکپارچه کردن این اطلاعات، شباهت‌ها را به دست آورد و با تفاوت‌ها به شیوه مناسبی برخورد کرد.

بر طبق نتایج به دست آمده در اندازه اثر ترکیبی مطالعاتی که به بررسی تأثیر عوامل شخصیتی بر طلاق پرداخته بودند در مدل اثرات ثابت ۰/۰۴۲ و در مدل اثرات تصادفی ۰/۰۸ به دست آمد و در بررسی عوامل ارتباطی، در مدل اثرات ثابت ۰/۰۳۴ و در مدل اثرات تصادفی ۰/۰۵۷ به دست آمده. بر اساس معیار کوهن (۱۹۹۷، به نقل از دلاور، ۱۳۹۰) برای تفسیر معناداری عملی اندازه اثر، ارزش‌های I، برابر ۰/۱، ۰/۳ و ۰/۵ به ترتیب میزان اندازه، برابر اثر کم، متوسط و زیاد هستند؛ بنابراین میانگین اندازه اثر ترکیبی به دست آمده برای متغیرهای عوامل شخصیتی و ارتباطی در هر دو مدل کم است. این نتیجه حاکی از آن است که عوامل دیگری در رابطه بین متغیرهای شخصیتی و ارتباطی مؤثر بر طلاق دخیل‌اند.

در بررسی اندازه اثر متغیرهای عوامل شخصیتی به طور جداگانه، بیشترین اندازه اثر مربوط به متغیرهای، انجام کارهای خلاف ۰/۵۳، زمان طلاق ۰/۴۵، خشونت ۰/۴۶، وفاداری ۰/۳۵ است و اندازه اثر متغیرهای بلوغ فکری و عاطفی ۰/۳، میزان دستیابی به اهداف ۰/۲۷ متوسط هستند. کمترین اندازه اثر مربوط به جنسیت ۰/۰۱ است.

در تبیین اندازه اثر بالای بزهکاری می توان گفت بزهکاری مجموعه تخلفات جزایی است که افراد در یک جامعه مرتکب می شوند (رجبی پور، ۱۳۸۷:۵۱) در جامعه شناسی هرگونه رفتار، عقیده یا شرایطی که هنجارهای اجتماعی را نقض کند انحراف اجتماعی خوانده می شود. در نتیجه عوامل مختلفی در گرایش افراد به بزهکاری و انحرافات اجتماعی تأثیرگذار است که از جمله آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد: الف - خانواده (ضعف نظارت خانوادگی، عدم استحکام روابط خانوادگی و شرایط نامطلوب درون خانه و ...)؛ ب - ضعف نظارت اجتماعی (سستی نظارت جمعی، کم رنگ شدن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه و ...)؛ ج - ناکارآمدی های آموزشی (سستی آموزش های اخلاقی و ...)؛ د - رسانه ها (سینما، مطبوعات، اینترنت، موبایل و ...)؛ ه - رواج استعمال مواد مخدر در جامعه؛ و - ضعف مبانی دینی و اعتقادی؛ ز - دگرگونی یا ضعف ارزش های اجتماعی (قجاوندی، ۱۳۸۸:۳۲). مرتون (۱۹۶۸) معتقد است بی هنجاری زمانی رخ می دهد که یک گسیختگی مهم بین اهداف فرهنگی ارزشمند و ابزارهای اجتماعی قانونی برای نیل به این اهداف وجود داشته باشد. در واقع به کارگیری ابزارهای نامشروع برای دسترسی به اهداف مادی مانند پول، قدرت و مقام منابع اولیه بی هنجاری ها و بزهکاری ها هستند (ابوالمعالی، ۱۳۸۹:۱۵). بر اساس تئوری مرتن می توان گفت فقر و وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده سبب فشارهای اجتماعی بر پیکر خانواده می شود و می تواند در گرایش اعضای خانواده به بزهکاری مؤثر باشد. مطابق نظریه ی پیوند افتراقی ادوین ساترلند (۱۹۴۷) رفتار انحرافی موروثی و ذاتی نیست، بلکه روش آموختن این رفتار همانند روش آموختن سایر رفتارهاست. او ادعا می کند که تحقق وضعیت جرم تنها مستلزم هم نشینی مستقیم با کجروان و بزهکاران نیست، در واقع تحقق کجروی را عمدتاً نیازمند جامعه پذیر شدن فرد در درون نظامی از ارزش ها می داند که او را در جهت نقض هنجارهای مسلط در جامعه تشویق می کند. (ابوالمعالی، ۱۳۸۹:۲۷).

در تبیین متغیر زمان طلاق می توان اشاره کرد که زمان طلاق نیز عاملی است که بر میزان درک و سازگاری زوجین با مشکلات و در نتیجه گرایش آنان به طلاق تأثیر می گذارد؛

بنابراین زمان طلاق به سه صورت قابل تفسیر است: ۱) زوجین به پختگی دوران میانسالی رسیده‌اند و روش‌هایی جهت سازگاری و حل اختلافات خود یافته‌اند و به یک زندگی زناشویی باثبات دست یافته‌اند. این تفسیر تا حدی با یافته‌های پژوهش رحمت الهی (۱۳۸۵) که نشان داد مشکلات شخصیتی در زوجین، در سال‌های اولیه ازدواج بیش از سال‌های بعدی مشکل ساز است، همخوانی دارد. ۲) علل مختلف از جمله وجود فرزندان، اجبار و تحمیل اطرافیان، ترس از آینده و زندگی پس از طلاق (به‌خصوص در زنان) منجر به تداوم یک زندگی مشترک توأم با نارضایتی گردیده است؛ ۳) زوجین دارای سابقه ازدواج بیشتر، مشکلات کمتری در زمینه دخالت خانواده اصلی، مشکلات اقتصادی و مسکن و تفاوت‌های فرهنگی تجربه می‌کنند. این امر می‌تواند در کاهش تقاضای طلاق مؤثر باشد.

در تبیین متغیر خشونت خانوادگی می‌توان گفت که قوانینی چون دیه، قصاص و حتی قوانین خانواده سبب شده تا مرد ریاست خانواده را بر عهده داشته باشد و بسیاری از حقوق یک‌جانبه به مرد داده شود، چنانچه شخص از کنش خود پاداشی را که انتظار دارد، به دست نیاورد، یا تنبیهی را دریافت دارد که انتظارش را ندارد، خشمگین خواهد شد و در چنین موقعیتی احتمال بیشتری دارد که رفتار پرخاشگرانه‌ای نشان دهد و نتایج چنین رفتاری برایش ارزشمند است. در این مرحله فرد برآوردی از سود و زیان ادامه‌ی زندگی زناشویی خواهد داشت در نتیجه تمایل فرد نسبت به طلاق گرفتن بیش تر می‌شود. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های رحیمی (۱۳۷۹) و پورصادق کردی (۱۳۸۸) همخوانی دارد. توسل به خشونت و زورگویی مردان از جمله مواردی است که زنان به‌عنوان عامل نارضایتی در مسائل شخصیتی همسران خود ذکر کرده‌اند. از نظر تاریخی، خشونت علیه زنان در ازدواج، حتی قبل از ازدواج، اغلب جوامع در زمان‌های مختلف امری پذیرفته شده است (گلیس و کرنل^۱، ۱۹۹۰). توسل به خشونت و زورگویی گرچه ممکن است در بعضی موارد در کوتاه‌مدت مؤثر باشد، اما سرانجام منجر به خصومت و ترک رابطه می‌شود. مارتین (۱۹۹۹)، یکی از محققان فمینیستی، در تحقیق خود فرضیه خشونت خانوادگی را از این نظریه گرفته است که هر چه خشونت خانوادگی بر زنان زیادتر شود، احتمال شدت درخواست طلاق افزایش می‌یابد. یونگ و لانگ (۱۹۹۸) احساس خشم، خصومت، کینه، نفرت، حسادت و سوء رفتار کلامی و فیزیکی در روابط زوجین را ناشی از تعارض زناشویی می‌دانند. تعارض

1. Gliss and kernel

زناشویی به علت عدم هماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحموری، اختلاف در خواسته‌ها و رفتارهای غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی است (یانگ، ۱۹۸۸).

در تبیین عامل وفاداری می‌توان اشاره کرد که در زندگی زناشویی اساس رابطه‌ی متقابل و رضایت از این ارتباط، وفاداری متقابل زوجین است و هنگامی که عدم صداقت و وفاداری یکی از زوجین ثابت شود و این نوع رفتار اصلاح نشود، این رابطه متقابل خدشه‌دار شده و برای طرف مقابل احساس نارضایتی و زیان به همراه دارد، بنابراین در مرحله‌ی آخر، در ارزیابی ادامه‌ی زندگی زناشویی در سطح زیان قرار می‌گیرد و بر این اساس تقاضای طلاق می‌نماید و در این حالت تئوری مبادله تأیید می‌گردد. بدین معنی که هرگاه پاداش‌هایی را که فرد انتظار دارد در زندگی زناشویی به آن‌ها برسد، ولی نمی‌رسد، عدم رضایت از ادامه‌ی مبادله (زندگی زناشویی) در فرد ایجاد می‌شود که این امر در افزایش میزان طلاق مؤثر است. پورصادقی کردی (۱۳۸۸) در کتاب بررسی علل و عامل‌های طلاق و کی‌نیا (۱۳۷۳) در پژوهشی در عامل‌های اجتماعی طلاق یکی از عامل‌های موقر در وقوع طلاق بین زوجین را عدم صداقت و وفاداری عنوان کرده‌اند.

از آنجاکه مقوله سرمایه‌گذاری بر گذشت، قدردانی و احترام متقابل استوار است و چون تعریف افراد از احترام با هم فرق می‌کند، باید هر یک از زوج‌ها برداشت یکدیگر را از «احترام» بدانند. در پژوهش حق‌دوست، کاملی و لطیفی (۱۳۷۴) که به بررسی دیدگاه سیصد نفر از دانشجویان علوم پزشکی کشور درباره عوامل مؤثر در ازدواج پرداختند، فداکاری و گذشت یکی از چهار ویژگی اصلی همسر ایده‌ال معرفی شد. در زندگی مشترک باید بستر مناسبی برای اعتماد و دل بستگی دوسویه موجود باشد و لازمه این بستر، داشتن دیدی مثبت نسبت به یکدیگر است (صالحی فدردی، ۱۳۷۸).

در بررسی اندازه اثر متغیرهای عوامل ارتباطات نادرست در خانواده به‌طور جداگانه، بیشترین اندازه اثر مربوط به متغیرهای عدم توجه و عشق ۰/۶۷، برآورده نشدن انتظارات ۰/۶۶، مشکلات جنسی ۰/۵۴، فرزندپروری ۰/۷۸ و رضایت جنسی و عاطفی ۰/۳۶- است. البته متغیر رضایت جنسی و عاطفی رابطه منفی با طلاق دارد؛ و اندازه اثر متغیرهای مدت آشنایی قبل ۰/۳-، اعمال قدرت به اعضا ۰/۲۹ متوسط هستند. کمترین اندازه اثر مربوط به سابقه طلاق والدین ۰/۰۴ است.

در رابطه با اندازه اثر بالای عدم عشق و علاقه با توجه به نتایج پژوهش‌های بررسی شده می‌توان اشاره کرد که در جوامع امروزی عشق و علاقه پر شور یکی از عوامل مهم زندگی زناشویی به شمار می‌آید. پیش از ازدواج یک زوج معتقدند تا زمانی که عشقشان به همدیگر فروکش نکند، بر هر مشکلی می‌توان فائق آمد. آن‌ها به زودی تشخیص می‌دهند که آتش عشقشان فروکش کرده و برای حل مسائل‌شان باید راه‌های عملی‌تری را در پیش بگیرند. اگرچه همسران مایلند دیدگاه‌های مشابهی در مورد عشق و خود افشاسازی در رابطه زناشویی داشته باشند، لیکن معلوم گردیده است که میان زنان و مردان در عشق و رضایت زناشویی تفاوت وجود دارد به عبارت دیگر تجربه صمیمیت در میان زنان و مردان متفاوت است. زنان خود افشایی در زمینه احساسات را به عنوان عشق زیاد می‌دانند و مردان داشتن فعالیت‌های مشترک با همسر را نشانه صمیمیت می‌دانند. رابطه میان عناصر سبک‌های عشق (صمیمیت، شهوت و تعهد) و رضایت زناشویی زنان نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار میان عنصر عشق و رضایت زناشویی است.

باومن (۲۰۱۶) در کتاب عشق سیال، اظهار می‌کند که در عصر حاضر زنان و مردان به شدت محتاج به ایجاد رابطه هستند، اما در عین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و این ارتباط همیشگی آن‌ها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آن‌ها را سلب نماید. در دنیای امروز رابطه از داغ‌ترین بحث‌ها است و باومن^۱ دلیل این مسئله را این‌گونه توضیح می‌دهد که در دنیای امروز روابط زنان و مردان به آن‌ها رضایت نمی‌دهد. انسان‌های امروزی روابط را می‌خواهند اما تنها با خوبی‌های آن و نه مشکلاتش و از مشاوران می‌خواهند که به آن‌ها کمک کنند وارد روابطی شوند که از آن‌ها لذت برند ولی در عین حال بتوانند در زمان بروز مشکلات و سختی‌های آن رابطه را ترک کنند. باومن برعکس معتقد است که یک رابطه درست، هم خوبی‌هایی دارد و هم بدی‌هایی و نمی‌توان رابطه را تنها تا زمانی خواست که برای فرد مطبوع است (باومن، ۲۰۱۶: ۱۱). عشق سیال حتی بر روابط جنسی و نیز تولیدمثل و روابط والدین با کودکان نیز اثر گذاشته است. تفکیک مشهور رابطه جنسی از تولیدمثل، متکی به رابطه قدرت است. این جدایی محصول مشترک موقعیت زندگی سیال مدرن و مصرف‌گرایی به عنوان تنها راهبرد انتخابی موجود است، راهبردی مبتنی بر جستجو برای یافتن

راه‌حل‌های فردی برای مشکلاتی که به‌طور اجتماعی به وجود می‌آیند (باومن، ۲۰۱۶: ۸۱).

به نظر باومن پیش از دوران مدرن رابطه جنسی از الگوی زندگی فرد تولیدکننده پیروی می‌کرد، لذا عشق؛ تا زمانی که مرگ ما را از هم جدا کند، بی‌معنا و یا دست و پاگیر نبود بلکه جزئی از غرایز طبیعی انسان تولیدکننده به حساب می‌آمد، به همان صورت که امروز مخالف غرایز طبیعی ما به شمار می‌آید زیرا امروز انسان نه تولیدکننده که مصرف‌کننده است. انسان‌ها در واقع پیش از زمان مدرن تولیدکننده بودند، عشق و میل به تولید، همچون همراهان تفکیک‌ناپذیر رابطه جنسی به حساب می‌آمدند؛ اما انسان مصرف‌کننده امروز شاخص موفقیتش را نه ساختن و حجم خریدها بلکه گردش و جایگزینی کالاها و سرعت می‌داند؛ بنابراین طرفدار انباشت کالا نیست بلکه طرفدار دور ریختن کالاها پس از استفاده آنها است، البته نه استفاده مداوم، زیرا خصیصه تنوع‌طلبی باید حفظ گردد و بدین‌گونه این خصایص و نیازهای جامعه مصرف‌کننده مدرن به رابطه جنسی نیز نفوذ می‌کند (فیرن^۱، ۲۰۰۶).

گیدنز (۱۹۹۲) با طرح رابطه‌ی ناب، به مفهوم عشق در ازدواج تأکید می‌نماید. گسترانده شدن عشق رمانتیک به خانه‌ها و پیوند خوردن مفاهیمی همچون محبت و ازدواج بود که بهره‌مندی‌هایی فردی از رابطه را از اولویت برخوردار کرد، با این وجود رواج این مفهوم به انحصار زنان در خانه، حذف آنها از فرآیندهای اقتصادی و اهمیت یافتن پرورش کودک برای زنان منجر شد. جنبش‌های برابری خواهانه در قلمرو صمیمیت در دهه‌های اخیر نوع دیگری از رابطه را رقم زد. در متأخرترین شکل صورت‌بندی عشق که گیدنز از آن به عشق سیال^۲ تعبیر می‌کند تعهد سخت‌گیرانه و ضرورت پایداری در عشق رمانتیک به زیر سؤال می‌روند. با اینکه عشق سیال مدنظر گیدنز با آنچه مدنظر باومن است که ذکر آن رفت؛ متفاوت بود، گیدنز عقیده دارد این نوع عشق به دنبال تحقق برابری فرصت زن و مرد برای دسترسی به فرصت‌های اجتماعی و در نتیجه عاطفی است. این نوع رابطه ویژگی‌های کاملاً متمایزی از روابط عاطفی پیشین دارد؛ زیرا برابری فرصت‌ها و اهمیت برابر طرفین رابطه، ویژگی‌هایی چون پویایی، اعتماد و تعادل قدرت

1. Feiren

2. Fluid Love

را به ارمغان می آورند. او جریان رایج خانوادگی را به دموکراسی احساسات^۱ تغییر کرده است.

گیدنز برای رابطه دموکراتیک در سطح خانواده چند ویژگی اساسی را بر می شمرد که برابری در روابط جنسی، باور به استقلال شخص دیگر، احترام به نیازها و علایق شریک خود، ارتباط اساسی با اشخاص دیگر در یک رابطه خوب و رابطه فارغ از خشونت که از ویژگی های دموکراسی عمومی هستند، در روابط خانوادگی نیز قابل اجرا هستند. به اعتقاد گیدنز روابط شخصی دموکراتیک در حوزه های رابطه جنسی و ازدواج، رابطه دوستی و رابطه والدین و فرزندان قابل اجرا است (گیدنز، ۱۹۹۲: ۱۳۸). معنا و گستره دموکراسی احساسات را می توان در مفهوم مرتبط دیگری از گیدنز مورد مطالعه قرارداد. رابطه ناب^۲ رابطه ای است که در دنیای امروز از مقبولیت و رواج بخصوصی برخوردار شده است. در این نوع رابطه که در آن کیفیت رابطه و رضایت از آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است و تأثیر تعهدات بیرونی بر بقای رابطه به حداقل می رسد. در نتیجه ارتباط ناب، ارتباطی است که در وهله اول به خاطر نفس رابطه وجود داشته باشد و نه به خاطر الزام های بیرونی که بقای آن را تضمین می کنند. رابطه ناب، منجر به نوعی رضایت فردی و درونی می شود که کاملاً از نفس رابطه برخاسته است و به هیچ عاملی بیرون از خود وابسته نیست و وجود این رضایت شرط بقا و ماندگاری رابطه است (گیدنز، ۱۹۹۲: ۱۵۳). در رابطه با اندازه اثر بالای متغیر برآورده نشدن انتظارات می توان اشاره کرد که رضایت از زناشویی یکی از تبیین کنندگان مهم نگرش به طلاق به شمار می رود، به طوری که ریتا کارول^۳ (۱۹۸۲) در مقاله ای به بررسی همبستگی های قومی و اقتصادی میان رضایت زناشویی و نگرش به طلاق زنان چینی - آمریکایی پرداخته است. رضایت از زناشویی خود تحت عواملی است که نگرش به ازدواج و انتظار از زناشویی از آن جمله اند. در گذشته مردم ازدواج را یک میثاق الهی و مسئولیت اجتماعی می دانستند و در قبال حفظ این کانون مقدس احساس وظیفه می کردند، اما هنگامی که ازدواج صرفاً وسیله ای برای کسب لذت و خرسندی از زندگی شد، دیگر توجیهی برای حفظ رابطه ای که چنین خرسندی به بار نمی آورد، وجود نداشت.

-
1. Democracy of Sentiment
 2. Lean relationship
 3. Rita Carroll

آمبرت (۲۰۰۲) در این زمینه می‌نویسد: «نرخ‌های طلاق در قرن نوزده به تدریج در نتیجه گرایش‌های سکولار و لیبرالیزه شدن هنجارها که به انتخاب‌های فردی توجه می‌کرد و نیز کاهش تأثیرات مذهبی رشد نمود. وجوه دینی امروزه به شدت در نهاد ازدواج از دست رفته است. ازدواج بیشتر یک انتخاب فردی شده است تا یک میثاق و عهد در پیشگاه خداوند و این تغییر، موجب پذیرش طبیعت دنیوی آن گردیده است».

تغییر نگرش به ازدواج، منجر به تغییر در انتظار از زناشویی گردیده است. جامعه امروز با افزایش سطح انتظارات از ازدواج مواجه گردیده است. خانواده‌ای که در گذشته حدنصاب لازم را برای حفظ و تداوم داشت، امروز فاقد ارزش بقا است. گرایش‌های رمانتیک و عاشقانه در انتخاب همسر باعث افزایش انتظارات عاطفی از کانون خانواده گردیده است. در جوامع سنتی جوانان می‌آموزند که از همسر فقط انتظار احترام و انجام وظایف همسری را داشته باشند، نه الزاماً ایجاد خوشبختی، بنابراین در صورت عدم کسب این خرسندی، مبادرت به طلاق نمی‌کردند (گود، ۱۹۷۴: ۲۵۳). رهایی ازدواج‌ها از قیود فیزیکی و هنجاری مسئله‌ای است که به تغییر مفهوم ازدواج و انتظار از زناشویی دامن می‌زند. درحالی‌که پیش‌ازاین ازدواج‌ها به واسطه فشارهای خارجی، ضرورت اقتصادی و ترس از مخالفت‌های اجتماعی حفظ می‌شده است، امروزه ازدواج‌ها بر اساس قوت روابط عاطفی میان زوجین ایجاد و فروپاشیده می‌شوند. چرلین (۲۰۰۴) تغییر مفهوم ازدواج از یک نهاد اجتماعی به یک زندگی مشترک را در تغییر برداشت از طلاق مؤثر می‌داند (میرزایی، ۱۳۸۰: ۱۸). آزادانه بودن ازدواج نیز گرایش به طلاق را افزایش می‌دهد. وقتی ازدواج بر اساس انتخاب و خصلتی کاملاً آزادانه صورت پذیرد، پیوند زناشویی به‌عنوان یک عامل محدودکننده جلوه می‌کند (سگالن، ۱۹۹۲: ۱۸۳). همچنین پارسونز (۱۹۰۲) معتقد است برای آن‌که خانواده نقش مؤثری داشته باشد، باید نوعی تقسیم کار جنسی در آن برقرار باشد؛ بدین گونه که مردان باید نیروی محرک خانواده باشند و زنان نیز باید به وظیفه‌شان که امور داخلی خانواده و مراقبت از کودکان و بزرگسالان است، پردازند. لذا باید سنگ صبور یعنی مهربان، پرورنده و سرشار از عاطفه باشند. این نظریه‌پرداز اعتقاد دارد چنانچه کارکردها و جهت‌گیری‌های زنان و مردان در خانواده بسیار شبیه هم گردند، رقابت میان آن‌ها زندگی خانوادگی را مختل خواهد کرد و نقش تعیین‌کننده خانواده رنگ خواهد باخت. لذا در این شرایط پدید آمدن اختلاف بین زوجین و حتی جدایی آن‌ها از هم به‌عنوان ستون‌های

اصلی ثبات خانواده دور از ذهن نخواهد بود. همچنین، این نظریه پرداز معتقد است تداخل در نقش‌ها باعث اغتشاش در امور خانوادگی می‌شود؛ یعنی اینکه مردان نیز باید همان‌گونه که تأمین امور مالی خانواده را به عهده دارند، باید نیروی محرکه خانواده باشند و از نقش مهم خویش در خانواده غافل نگردند و باید در جهت‌گیری خانواده نقشی ویژه داشته باشند؛ چراکه در غیر این صورت ثبات نهاد خانواده را دچار اختلال خواهد نمود؛ بنابراین، اصل اساسی نظریه نقش‌ها این است که زن و شوهر با توجه به نقش‌هایی که دارند، انتظاراتی از همدیگر دارند. چنانچه آن‌ها در برآورده شدن این انتظارات توفیقی نداشته باشند، احتمال مخدوش شدن روابط بین آن‌ها پدید می‌آید و تداوم زندگی آن‌ها را دچار تردید می‌نماید (ریترز، ۲۰۱۰: ۶۱۳). همچنین طبق نظریه انگیزش (نگیزش-انتظار) و منزلت هر کدام از زن و شوهر با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می‌کنند و زندگی را با انتظارات مشخصی که همسرشان چگونه با او رفتار خواهد کرد، آغاز می‌نمایند. اگر این انتظارات برآورده نشود، نارضایتی و پشیمانی و در نهایت اختلاف در کانون خانواده و طلاق را در پی خواهد داشت.

در این پژوهش با استناد به این نظریه‌ها، متغیر برآورده نشدن انتظارات و افزایش طلاق تبیین شده است. بر اساس این نظریه‌ها، هر کدام از زن و شوهر با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می‌کنند و زندگی را با انتظارات مشخصی که همسرشان چگونه با او رفتار خواهد کرد، آغاز می‌نمایند. اگر این انتظارات برآورده نشود، نارضایتی و پشیمانی و در نهایت اختلاف در کانون خانواده و طلاق را در پی خواهد داشت.

همچنین، نظریه مبادله پیش‌بینی می‌کند زمانی که هر یک از زوجین هزینه‌های یک زندگی زناشویی را بیش از منافع آن ارزیابی نمایند، احتمال گسستن این رابطه وجود خواهد داشت. آن چه که این نظریه بر آن تأکید می‌کند، پنداشت زوجین از سود و زیان حاصله از زندگی خانوادگی است که این مفهوم را می‌توان از طریق سنجش میزان برآورده شدن انتظارات زوجین از یکدیگر، عملیاتی نمود. در واقع میزان برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر در زمینه اموری نظیر اظهار علاقه و محبت، مورد احترام قرار گرفتن، سازگاری داشتن در روابط جنسی، توجه کردن به فرایض دینی، اهمیت دادن به مسائل تربیتی فرزندان، مشورت کردن با همسر، آینده‌نگری در مسائل اقتصادی و... زمینه‌ساز

شکل‌گیری این ذهنیت در آن‌ها می‌شود که در این مبادله اجتماعی (زندگی مشترک خانوادگی)، بیش از طرف مقابل هزینه کرده و منفعت کمتری دریافت می‌کنند. در این حالت، می‌توان گفت که انتظارات آن‌ها از همسرشان برآورده نشده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گرایش به طلاق، در بین آن دسته از زوجینی که به نظر آن‌ها همسرانشان نتوانسته بودند انتظاراتشان از زندگی مشترک را برآورده نمایند و آن‌ها در این رابطه متقابل متضرر شده‌اند، بالاتر بوده است. این نکته در پژوهش‌های پیشین نیز تأیید شده است. تقی‌زاده (۱۳۵۰)؛ مه‌پویان (۱۳۵۴)؛ داودی (۱۳۵۶)؛ سیف‌الهی (۱۳۶۷)؛ پیران (۱۳۶۹)؛ دانش و همکاران (۱۳۷۰)؛ مددی (۱۳۷۸)؛ رحیمی (۱۳۷۹)؛ ریحانی (۱۳۸۱)؛ شیرزاد (۱۳۸۳)؛ قطبی (۱۳۸۳).

در رابطه با اندازه اثر بالای مشکلات جنسی، اریک فروم (۱۹۹۱) مطرح می‌کند انسان نمی‌تواند از میل جنسی فارغ شود و اگر آن میل، عیب تلقی شود، احساس گناه طبیعی است. محدودیتی که به امور جنسی تحمیل می‌شود به احساس گناه می‌انجامد که دستاویزی برای وضع اصول اخلاقی قدرتمند است. فروم معتقد است که در جامعه غربی به علت جهت‌گیری مصرفی، از میل جنسی برای پوشاندن فقدان صمیمیت بهره‌گیری می‌شود. نزدیکی جسمانی، به وسیله‌ای برای پوشاندن عیب بیگانگی انسان‌ها تبدیل شده است. اریک فروم عشق را نتیجه رضایت کافی جنسی نمی‌داند، بلکه کامیابی جنسی را نتیجه عشق می‌شناسد. مطالعه یکی از متداول‌ترین مشکلات جنسی، یعنی، سرد مزاجی زن و ناتوانی روانی جنسی مرد نشان می‌دهد که علت واقعی این مشکلات، ناآگاهی از روش‌های درست جنسی نیست، بلکه علت واقعی منع‌هایی است که عشق را غیرممکن می‌سازد. ترس یا تنفر از غیرهمجنس اساس این مشکلات است که موجب می‌شود شخص خودش را کاملاً در اختیار طرف مقابل نگذارد، بی‌پیرایه عمل نکند و به شریک جنسی خود در صمیمیت و هم‌آغوشی اعتماد نکند. کسی که از نظر جنسی دچار منع شده است، اگر بتواند خود را از ترس یا تنفر برهاند و در نتیجه در عشق ورزیدن توانا شود، مشکلات جنسی وی نیز حل خواهد شد و اگر نتواند، هر چه در روابط جنسی آزموده باشد بی‌حاصل است (کجباف، ۱۳۸۱: ۵۹).

در رابطه با اندازه اثر بالای فرزند پروری و تفاوت و اختلاف در تربیت فرزندان و آینده آنان با توجه به نتایج پژوهش‌های بررسی شده می‌توان اشاره کرد که عدم وجود فرزند و یا

فرزندان کمتر که در خانواده هسته‌ای حال حاضر متداول است، موجب می‌شود زن و مرد نگرش سهل گیرانه تری نسبت به انفصال رابطه زناشویی داشته باشند (سگالن، ۱۹۹۲: ۱۸۳). در اکثر مطالعات گذشته یکی از عوامل طلاق را نبودن فرزند در خانواده ذکر کرده‌اند و میزان تقاضای طلاق در خانواده‌های با فرزند بیشتر کمتر است (قطبی، ۱۳۸۳؛ شیرزاد، ۱۳۸۳؛ بهاری، ۱۳۸۳).

در رابطه با اندازه اثر منفی و بالای رضایت جنسی و عاطفی با توجه به نتایج پژوهش‌های بررسی شده می‌توان گفت که میل جنسی راهی برای درک عشق است. نظریه فرانکل (۲۰۰۲) رابطه بین ناآگاهی اجتماعی از روابط زوجین با ناسازگاری زناشویی را توجیه می‌کند (کجباف، ۱۳۸۱). یافته‌های مهدوی و نسیمی (۱۳۸۷) نشان داد که بین نارضایتی جنسی و باورها و نگرش‌های جنسی غلط همبستگی وجود دارد. در دیدگاه مازلو (۲۰۰۹) نیاز به ارضاء تمایلات جنسی هم‌ردیف با نیاز به پاسخگویی به انگیزش‌هایی چون نیاز به هوا، تشنگی، گرسنگی و نیاز به خواب و غیره و در رده نیازهای فیزیولوژیک، یا همان نیازهای اساسی و اولیه و زیربنایی انسان و هر موجود زنده دیگر می‌باشد. به اعتقاد مازلو، رابطه جنسی، همچون عشق، جایگاه ویژه‌ای در اصول روان‌شناختی انسان‌ها به‌خصوص انسان‌های با درجات بالای سلامت روانی (خودشکوفای) دارد. وی می‌گوید: تمایلات جنسی و عشق می‌توانند در بررسی جامعه‌شناختی رضایت زنان از مناسبات زناشویی افراد سالم به‌طور کامل تری درهم ترکیب شوند و غالباً چنین نیز می‌شوند. این دو مقوله در زندگی افراد سالم (خودشکوفای) به‌سوی ترکیب و ممزوج شدن با یکدیگر گرایش دارند (اوحدی، ۱۳۸۴: ۸۹).

همچنین هم‌راستا با این تحقیق نتایج پژوهش موحد و عزیزی (۱۳۹۰) نشان داد، رابطه معکوس و معنی‌داری بین رضایتمندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران وجود دارد، بدان مفهوم که هر چه رضایتمندی جنسی زنان افزایش می‌یابد، تعارضات زوجین کاهش پیدا می‌کند و بالعکس. گفتنی است سه بعد اول از ابعاد پنج‌گانه رضایتمندی جنسی نیز با هر کدام از ابعاد تعارضات زوجین، دارای رابطه معکوس است (موحد و همکاران، ۱۳۹۰)؛ بنابراین، رضایت زناشویی عاملی تأثیرگذار در گرایش زوجین به طلاق می‌باشد. این نکته در پژوهش‌های دیگری مانند سیف‌الهی (۱۳۶۷)؛ پیران (۱۳۶۹)؛ رحیمی (۱۳۷۹)؛ شیرزاد (۱۳۷۹)؛ ریحانی (۱۳۸۱) و قطبی (۱۳۸۳) نیز تأیید شده است. همچنین در این تحقیقات

نیز عدم رضایت زناشویی به‌عنوان عاملی معرفی شده است که می‌تواند موجب وقوع طلاق شود. در سپهر کنونی زندگی خانوادگی و رضایت از روابط جنسی و داشتن کیفیت در تعاملات جنسی منشأ پیوندهای خانوادگی است.

به‌منظور بررسی تفاوت بین گروه‌های مطالعه از آزمون Q استفاده گردید، نتایج حاکی از وجود تفاوت معنادار بین متغیر سال انتشار پژوهش و متغیر حجم نمونه و روش نمونه‌گیری در عوامل شخصیتی است. یعنی این متغیرها می‌توانند در اندازه اثر عوامل شخصیتی منجر به ناهمگنی اندازه اثرها شده و نقش تعدیل‌کنندگی ایفا نمایند، بدین معنی که میزان تأثیر این عوامل مؤثر بر طلاق به این متغیرها بستگی دارد. این یافته را می‌توان طبق نظریه نظام‌ها و نقش‌ها تبیین نمود.

توسعه و فرآیند‌گذار امری گریزناپذیر است و به‌تبع آن شخصیت، افکار، ارزش‌ها و خواسته‌های افراد نیز در حال گذار و تغییر است. به‌نظر می‌رسد در این فرآیند ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه رنگ فردگرایانه به خود گرفته و افراد جامعه در رفتار و اعمالشان کمتر به مصالح دیگر کنشگران و جامعه توجه می‌کنند. عوامل کلانی چون زندگی مدرن و شهرنشینی، تحصیلات، اشتغال زنان و ... باعث تغییر در خواسته‌های زوجین در ارتباط با ازدواج می‌شود، به‌طوری که اگر آن را از طریق ازدواج نتوانند به دست آورند از طریق طلاق آن را دنبال می‌کنند.

نظریه‌ی نظام‌ها را دانشمندان علوم طبیعی طراحی نموده‌اند. ریشه‌ی این نظریه به نظریه‌ی اندام‌وارگی هربرت اسپنسر (۱۸۹۸) باز می‌گردد. این نظریه، خانواده را چیزی بیش از مجموعه اجزایش می‌انگارد. خانواده را شامل افراد عضو آن، شخصیت‌ها و ویژگی‌هایشان و روابط بین آن‌ها می‌داند. هم‌چنین، بر وابستگی متقابل و روابط متقابل در ساختار خانواده تأکید می‌کند و به بررسی و کنش متقابل آن با ابر نظام‌های بیرون از محدوده‌اش همچون محله و مدرسه می‌پردازد.

هر تغییری که بر یکی از اعضاء یا خرده نظام‌ها تأثیر داشته باشد، در کل خانواده اثر می‌گذارد. کارکرد نظام به تفهیم و تفاهم میان اعضایش بستگی دارد این تفهیم و تفاهم اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد، از آزاد و راحت بودن گرفته تا پیام‌های متناقض و استعاره‌هایی که اعضای مخاطب در خانواده شاید به‌راحتی آن‌ها را درک نکنند (والچوک، ۱۹۸۷: ۳۵). تحلیل‌های شبکه‌ای، به مطالعه قواعدی درباره اعتقادات افراد و اینکه چه باید

انجام دهند، می پردازد. این نظریه، هر نظریه غیرساختی را که فرایندهای اجتماعی را ناشی از جمعی از کنشگران فردی، گرایش‌های شخصی و هنجارهای درونی شده می‌داند، رد می‌کند. یکی از چهره‌های مشهور نظریه شبکه، الیزابت بات (۱۹۹۵)، درجه‌ی تفکیک نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای که زوجین، بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند، همبسته می‌داند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیکتر و هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر به‌عنوان زوج زناشویی تفکیک شده‌تر بوده و بیشتر تابع سلسله مراتب است. عکس قضیه نیز صادق است، هرچه شبکه‌ها کم تراکم‌تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه نشانگر جدایی و تفکیک هستند. وی این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی تبیین می‌کند (سگالن، ۱۹۹۲). اگر زن و شوهر، هر دو به شبکه‌ای متراکم تعلق داشته باشند و این شبکه‌ها حفظ شوند، ازدواج صرفاً به همین روابط موجود تحمیل می‌گردد؛ به نحوی که زوجین فقط به‌سوی فعالیت‌هایی که شبکه مجاز می‌داند کشانده می‌شوند. در این حالت، تفکیک خشک و انعطاف‌ناپذیر نقش‌ها امکان‌پذیر می‌گردد، زیرا زوجین هر دو قادر به کسب حمایت از خارج از حیطه خانواده خواهند شد. بنابراین، نظریه شبکه بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می‌کند که هر چه روابط بین شبکه کمتر و سست‌تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می‌دهند. پس اگر شبکه قوی باشد، زوجین خود نمی‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند؛ چرا که باید بر اساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسئله، می‌تواند زمینه بروز اختلافات در خانواده را به وجود آورد و در نتیجه‌ی دخالت دیگران، خانواده دچار انحلال شود (ملتفت، ۱۳۸۱: ۳۳). دخالت افراد در زندگی زناشویی، گویای نفوذ افراد مسن‌تر همخون و تسلط شبکه روابط نسبی است که از سنن کهنسال جوامع مشرق زمین است. این امر، موجب تضاد شبکه‌های روابط نسبی و سببی شده و به کلیشه‌ها و عقاید قالبی در باب مادرزن و مادر شوهر جان بخشیده است (پیران، ۱۳۶۹).

بر اساس یکی دیگر از نظریه‌های جامعه‌شناسی که در باب خانواده وجود دارد و می‌توان از آن در مسئله‌ی طلاق استفاده کرد، نظریه‌ی نقش‌ها می‌باشد که به نظریه‌ی کنش متقابل نمادی و به‌ویژه تعامل‌گرایی کنش متقابل نمادی بسیار نزدیک است. این نظریه جهان را به یک صحنه‌ی نمایش تشبیه می‌کند و هر کس در آن نقشی را به عهده دارد و

از او انتظاراتی می‌رود و باید آن نقش را ایفا کند. نظریه‌ی نقش‌ها دنیای اجتماعی را شبکه‌ای از موقعیت‌ها یا منزلت‌هایی می‌داند که به صورت‌های گوناگون به هم ربط دارند و در آن افراد به اجرای نقش‌ها می‌پردازند. برای هر موقعیت و همچنین، برای گروه‌ها و طبقات، انواع گوناگون انتظارات را در مورد چگونگی رفتار متصدیان می‌توان تشخیص داد. از این‌رو، متفکران این نظریه بر این باورند که سازمان اجتماعی در نهایت مرکب از شبکه‌های گوناگونی از منزلت‌ها و انتظارات است (ترنر، ۲۰۰۸).

همچنین آزمون Q نشان داد که نتایج تحقیق حاکی از وجود تفاوت معنادار بین متغیر سال انتشار پژوهش و روش نمونه‌گیری و نوع پژوهش با عوامل ارتباطی است. یعنی این متغیرها می‌توانند در اندازه اثر عوامل ارتباطی منجر به ناهمگنی اندازه اثرها شده و نقش تعدیل‌کنندگی ایفا نماید، بدین معنی که میزان تأثیر عوامل ارتباطی مؤثر بر طلاق به سال انتشار پژوهش و روش نمونه‌گیری و نوع پژوهش ما بستگی دارد. این یافته را می‌توان طبق نظریه بحران وجدان جمعی و بحران ارزش‌ها و نظریه منزلت تبیین نمود.

به نظر بعضی از جامعه‌شناسان، از جمله عمده‌ترین علل طلاق، پیدایش بحران در ارزش‌ها و هنجارها است. انسان همواره در زندگی شخصی و اجتماعی خود، از ارزش‌ها و هنجارهای ثابتی پیروی نمی‌کند، بلکه این امر نیز مانند بسیاری امور دیگر در معرض تغییر و تحول است. گذشت زمان و یا حتی تغییر مکان و شرایط خاص اجتماعی دیگر از جمله عوامل تغییر ارزش‌ها و نگرش‌هاست. در ابتدای زندگی، چیزهایی ارزش به شمار می‌رود که شاید بعدها جاذبه‌ی خود را از دست بدهد (یوسفی، ۱۳۸۳: ۹۳). در هنگامه بحران ارزش‌ها، ارزش‌های اساسی یک جامعه بر لذت طلبی، تمتع‌آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ماده‌گرایی و ابزارگرایی استوارند و انسان‌ها صرفاً به تمتع می‌اندیشند و فقط مصالح خویش را در نظر می‌آورند و همه چیز در چارچوب امور مادی، ملموس و حتی جسمانی خلاصه می‌شود، ارتباطات انسانی نیز از این شرایط تأثیر می‌پذیرند. روابط انسان‌ها از بعد معنوی تهی می‌شود و صرفاً در راه التذاذ آنی است. این نوع روابط بسیار سست و آسیب‌پذیر و شکننده‌اند و به محض آنکه مصلحت دیگری روی نماید یا بر اثر مرور زمان یا عوامل دیگر، رابطه‌ها از درون تهی شده و به بهانه‌های مختلف می‌شکنند، در این شرایط روابط زوجیت نیز از این قاعده مستثنا نبوده و آمار طلاق روز به روز افزایش خواهد یافت (ساروخانی، ۱۳۷۵).

بنابراین، افزایش طلاق بر اساس نظریه بحران ارزش‌ها، می‌تواند این‌گونه تبیین کرد که در جوامع در حال گذار تضاد و جابجایی ارزش‌ها چشمگیرتر است و بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزش‌های خانواده مشاهده کرد. در چنین شرایطی روابط انسانی از بعد معنوی سست و آسیب‌پذیر می‌شوند؛ طبیعتاً روابط زناشویی نیز از این قاعده مستثنا نیستند و بنابراین پدیده طلاق روز به روز در حال افزایش است. همچنین به اعتقاد دورکیم هر قدر وجدان جمعی قوی‌تر باشد، خشم عمومی در مقابل هنجارشکنی حادث‌تر و با ضعیف شدن وجدان جمعی ارزش‌های منفی متناسب به طلاق کاهش می‌یابد و بر میزان طلاق افزوده می‌شود. در سال‌های اخیر، جنگ نرم رسانه‌ای بر ضد جامعه ایرانی در ظاهر و محتوا گسترده‌تر شده و ابعاد بسیار وسیعی پیدا کرده و خانواده و روابط انسانی را به‌عنوان بزرگترین سرمایه جامعه، هدف قرار داده است. این برنامه‌ها با ترویج خانواده‌های بی‌سامان و لجام‌گسیخته و عادی جلوه دادن خیانت به همسر و هویت زدایی از مفهوم خانواده، ترویج می‌کنند و کم‌رنگ کردن نقش مرد در جامعه، سبب سست شدن بنیان خانواده و از هم پاشیدن آن می‌شوند تا جایی که امروزه شاهد افزایش چشمگیر آمار طلاق در ایران هستیم.

همچنین زندگی فردی و اجتماعی و کلیه قواعد حاکم بر زندگی اجتماعی و فرهنگی افراد، در بستر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه قرار دارند و مداخلات، تعاملات و حتی معارضات جامعه بر امور فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. بر این اساس نظریه منزلت استنباط کرد، افراد با منزلت اجتماعی متفاوت، انتظارات متفاوتی از رفتار یکدیگر دارند. همچنین خانواده‌ها با منزلت‌های متفاوت اجتماعی، به دلیل نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی، توان هم‌نوایی و سازگاری با تغییرات و دگرگونی سریع را نداشته و دچار بی‌هنجاری‌های اجتماعی می‌شوند. در چنین شرایطی ناسازگاری‌های زناشویی شکل گرفته و طلاق رخ می‌دهد.

تحصیلات یکی از شاخص‌های منزلت اجتماعی است و به دلیل تغییر مثبت در نگرش و رفتار فرد، به او جایگاه اجتماعی مناسب اعطا می‌کند و فرد را در طبقات منزلتی بالاتری قرار می‌دهد. بر اساس نظریه مذکور افراد دارای منزلت بالا بین خود و فرومایگان فاصله قائل می‌شوند و همین فاصله مانع ارتباط صحیح و زمینه اختلاف را مهیا می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت فراتحلیل نتایج هنگامی ضرورت می‌یابد که تحلیل‌های متعدد و متنوعی در انبار یک حوزه علمی ذخیره شده باشند، بنابراین فراتحلیل مسبوق به تحلیل‌های موجود در یک حوزه علمی است. تأخیر بهره‌گیری از روش فراتحلیل در جامعه ما بدین علت است که انبارهای دانش ما چندان مملو نیست. پژوهش در جامعه ما هنوز جوان است. از این گذشته به دلیل ضعف روش‌شناسی و عدم ارتباط ارگانیک پژوهش‌های انجام شده با یکدیگر در سال‌های مختلف، به نظر می‌رسد که وضعیت پژوهش در جامعه ما فرایند انباشتی خود را طی نمی‌کند. به عبارت دیگر ترکیب و تدوین نتایج، به دلیل پراکندگی بیش‌ازحد موضوعات مطالعه شده، عدم دسترسی دقیق به کلیه کارهای پژوهشی، پراکندگی و عدم ارتباط سازمان‌های تحقیقاتی و پژوهشی با یکدیگر، عدم تعامل و تبادل پژوهشگران با یکدیگر؛ عدم استفاده لازم و کافی از نتایج پروژه‌های مشابه، به‌سختی قابل تحقیق است. بدیهی است انجام هرگونه سیاست‌گذاری ملی و استانی جهت استحکام پایه‌های زندگی خانوادگی و کاهش میزان گرایش زوجین به جدایی و طلاق، باید با در نظر داشتن اهداف زیر طراحی گردد:

- (۱) با توجه به یافته‌های پژوهش به روان‌شناسان و مشاوران ازدواج توصیه می‌شود عوامل مختلف استخراج‌شده در این پژوهش را به‌عنوان عوامل اصلی در مشاوره‌های خود در نظر بگیرند و در متقاضیان مشاوره ازدواج و طلاق حتماً عواملی که اندازه اثر بالاتری دارند را مدنظر قرار داده و مورد بررسی عمیق قرار دهند.
- (۲) توسعه و بهبود دسترسی به پایگاه‌های اطلاعات دانشگاه‌ها جهت دسترسی سریع‌تر و مناسب‌تر پژوهشگران به پایان‌نامه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.
- (۳) افزایش دانش‌ها و مهارت‌های ارتباطی مردان و زنان جوان و آرایه آموزش‌های نظری و عملی به آن‌ها، به‌منظور کسب آگاهی و شناخت دقیق از ویژگی‌های جنس مخالف و پرهیز از به‌کارگیری کلیشه‌های جنسیتی در برخورد با همسر برای افزایش قدرت تحمل و بالا بردن میزان تفاهم و سازگاری زناشویی.
- (۴) فراهم آوردن بسترهای مناسب و مبتنی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی برای شناخت بهتر و دقیق‌تر مردان و زنان از یکدیگر در مراحل قبل از ازدواج به‌منظور شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های فکری و رفتاری یکدیگر.

دستیابی به اهداف مذکور، تنها از طریق همکاری و هماهنگی تمامی نهادهای اجتماعی دست‌اندرکار از جمله خانواده، مدرسه و دانشگاه، مبلغان مذهبی و رسانه‌های گروهی و در پرتو حمایت‌های قانونی و ابزاری دولت امکان‌پذیر خواهد بود.

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۸۹). *نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری با تأکید بر شناخت اجتماعی*. تهران: ارجمند.
- احمدزاده، مریم؛ فرامرزی، سالار؛ شمسی، عبدالحسین و صمدی، مریم (۱۳۹۱). *فرا تحلیلی بررسی رابطه سبک دل‌بستگی با رضایت زناشویی. فصلنامه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۷(۲۵)، ۳۷-۴۶.
- اوحدی، بهنام (۱۳۸۴). *تمایلات و رفتارهای جنسی طبیعی و غیرطبیعی انسان*. اصفهان: صادق هدایت.
- بات، الیزابت (۱۹۹۵). *نقش‌های زناشویی و شبکه‌های اجتماعی در جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه حسن پویان (۱۳۷۳). جلد ۱، تهران: چاپخش.
- باومن، زیگمونت (۲۰۱۶). *عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی (۱۳۸۴). تهران: ققنوس.
- بهاری، فرهاد و سیف، سوسن (۱۳۸۳). *رابطه بین بخشودگی و سلامت روانی همسران*. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، ۱(۱)، ۹-۱۸.
- بوالهروی، جعفر؛ رمضان زاده، فاطمه؛ عابدی نیا، نسرين؛ نقی زاده، محمد مهدی؛ پهلوانی، هاجر و صابری، سید مهدی (۱۳۹۱). *بررسی برخی علل منجر به تقاضای طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران. مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، ۸(۱)، ۸۳-۹۳.
- بوستانی پور، علی‌رضا؛ ثنایی ذاکر، باقر و کیامنش، علی‌رضا (۱۳۸۶). *فرا تحلیلی اثربخشی الگوهای شناختی- رفتاری در درمان مشکلات زناشویی. فصلنامه تازه‌های پژوهش‌های مشاوره*، ۶(۲۲)، ۷-۲۵.
- پور صادق کردی، علی (۱۳۸۸). *بررسی علل و عامل‌های طلاق*. تهران: کوشامهر.
- پیران، پرویز (۱۳۶۹). *در پی تبیین جامعه‌شناختی طلاق*. نشریه رونق، ۱(۲)، ۳۴-۴۱.

- تقی‌زاده، اسماعیل. (۱۳۵۹). *علل و عوامل مؤثر در طلاق*. تهران: دانشکده‌ی علوم اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی.
- تی بک، آرون؛ لهی، رابرت و بک، جودیت. (۱۹۷۶). *چالش‌های شناخت درمانی*، ترجمه حسن حمیدپور (۱۳۹۱). چاپ اول، تهران: ارجمند.
- حق‌دوست، علی‌اکبر؛ رواز، کوروش؛ کاملی، جعفر و لطیفی، نور احمد. (۱۳۷۴). بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عوامل مؤثر در ازدواج. *فصلنامه اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۲(۳)، ۲۰-۲۹.
- دانش، کتیون. (۱۳۷۰). *علل و عوامل مؤثر بر طلاق در شهر تهران*. مجله بیک ماما، ۶(۳)، ۳۰-۳۴.
- داودی، پرستو. (۱۳۵۶). *علل و عوامل طلاق*، تهران، دانشکده علوم اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- دلاور، علی. (۱۳۹۲). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. چاپ هفتم، تهران: رشد.
- رجبی پور، محمود و نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۷). *مبانی پیشگیری اجتماعی از بزهکاری اطفال و نوجوانان*. تهران: منتهی (مرکز تهیه و توزیع منابع آموزشی دانشگاهی و پلیس پیشگیری ناجا).
- رحمت‌اللهی، فرحناز. (۱۳۸۵). *آسیب‌شناسی زندگی زناشویی در شهر اصفهان و ارائه مدلی جهت آسیب‌شناسی زندگی زوجین*. فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، ۱۱(۴۱ و ۴۲)، ۸-۲۵.
- رحیمی، حسین (۱۳۷۹). *بررسی عوامل طلاق در استان خراسان*. فصلنامه جمعیت، ۸(۳۴)، ۱۱۲-۱۰۰.
- ریتزر، جورج. (۲۰۱۰). *نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی (۱۳۸۲). تهران: جهاد دانشگاهی.
- ریحانی، طیبه و عجم، محمود. (۱۳۸۱). *بررسی علل طلاق در شهر گناباد*. فصلنامه افق دانش، ۸(۲)، ۹۶-۱۰۰.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. چاپ هشتم، تهران: سروش.

- سگالن، مارتین. (۱۹۹۲). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی (۱۳۹۳). تهران: مرکز.
- سیف الهی، حجت‌الله. (۱۳۶۷). بررسی علت‌های طلاق: کاربرد روش تجزیه عاملی ارتباط‌ها. *نامه علوم اجتماعی*، ۳(۶)، ۱۴۱-۱۵۲.
- شیرزاد، جلال و کاظمی فر، امیرمحمد. (۱۳۸۳). مطالعات همه‌گیرشناسی زوجین در حال طلاق ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان همدان در سال ۱۳۷۹. *مجله علمی پزشکی قانونی*، ۱۰(۳۶)، ۲۰۷-۲۱۲.
- صالحی فدری، جواد. (۱۳۷۸). پژوهش رضامندی زناشویی: گزارشی از تدوین و هنجاریابی پرسشنامه رضایت زناشویی بر روی نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه فردوسی. *فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی*، ۴(۱۳ و ۱۴)، ۸۴-۱۰۸.
- فروم، اریک. (۱۹۹۱). *هنر عشق ورزیدن*، ترجمه پوری ساطانی (۱۳۹۸). تهران: مروارید.
- قاضی طباطبایی، محمود. (۱۳۸۹). *تکنیک‌های خاص تحقیق*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- قجاوندی، کاظم. (۱۳۸۸). کلیات جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. *فصلنامه اصلاح و تربیت*، ۸(۹۳)، ۳۱-۴۲.
- قطبی، مرجان؛ هلاکویی نایینی، کوروش؛ جزایری، ابوالقاسم و رحیمی، عباس. (۱۳۸۲). وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت‌آباد. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۳(۱۲)، ۲۷۱-۲۸۶.
- کجباف، محمدباقر. (۱۳۸۹). *روانشناسی رفتار جنسی*. تهران: روان.
- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۷۳). *میانی جرم‌شناسی*. جلد دوم، بخش سوم طلاق، انتشارات: دانشگاه تهران.
- گاتمن، جان. (۱۹۹۴). *چرا ازدواج موفق چرا ازدواج غیر موفق*، ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۹۱). تهران: ابجد.
- گود، ویلیام جی. (۱۹۷۴). *خانواده و جامعه*، ترجمه ویدا ناصحی (۱۳۵۲). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیدنز، آنتونی. (۲۰۱۴). *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه حسن چاوشیان (۱۳۹۶). چاپ چهارم، تهران: ققنوس.

- مازلو، آبراهم. (۲۰۰۹). *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی (۱۳۶۷). چاپ ۶، مشهد: آستان قدس رضوی معاونت فرهنگی.
- مددی، حسین. (۱۳۸۷). *بررسی علل تقاضای طلاق زوجین (دیدگاه اقتصادی - اجتماعی) در شهرستان اراک*. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و توان بخشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مددکاری اجتماعی.
- ملفت، حسین. (۱۳۸۱). *بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب*. شیراز: دانشگاه علوم اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جمعیت شناسی.
- مهبویان، ابوالقاسم. (۱۳۵۴). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق*. تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی
- مهدوی، محمدصادق و نسیمی، مریم. (۱۳۸۷). *بررسی جامعه شناختی رضایت زنان از مناسبات زناشویی. پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۲(۳)، ۶-۲۶.
- موحد، مجید و عزیزی، طاهره. (۱۳۹۰). *مطالعه رابطه رضایتمندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران. فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، ۹(۲)، ۱۸۱-۲۰۶.
- میرزایی، محمد. (۱۳۸۰). *طرحی از مسائل اجتماعی با تأکید بر مسئله طلاق و روند تغییرات آن در ایران*. چاپ ۱، تهران: موسسه نشر کلمه، انجمن جامعه شناسی ایران.
- میشل، والتر. (۱۹۶۸). *نظریه های شخصیت*، ترجمه حمزه گنجی (۱۳۹۳). نشر: ساوالان.
- هومن، حیدر علی. (۱۳۹۰). *راهنمای عملی فراتحلیل در پژوهش های علمی*. تهران: انتشارات سمت.
- یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳). *شکاف بین نسل ها: بررسی تجربی و نظری*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- یونسی، سید جلال. (۱۳۸۱). *مدیریت روابط زناشویی: آسیب ها و راه حل ها در روابط زناشویی*. نشر: قطره.

Ambert, Anne, Marie. (2002). *divorce: Facts, Cause & Consequence*, York University, 3rd Edition: The Vanier institute of the Family.

BakJ. (1998). *The social science, encyclopedia*, London, routledg.

Bezanon, V.K. (1999). *Womans rising employment and the future of the family in industrial societies*, population and development review.

Carol, Rita. (1982). *Etlvnic and economic correlates of manital satisfaction and athide lownds divorce of chunese American women*, University of California, Los Angeles.

- Cherlin, A. J. (2004). The deinstitutionalization of American marriage. *Journal of marriage and family*, 66(4), 848-861.
- Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioural sciences (2nd ed.)*. New York: Academic Press.
- Feeren, J.A. (2006). Attachment style as a predictor of adult Romantic Relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(2) 281-291.
- Gelles, R.J. & kernel, M.A. (1990). *Intimate violence, The causes and consequences of abuse in the American family*, New York, Simon.
- Giddens, Anthony. (1992). *The transformation of intimacy: sexuality, love, and etoticism in modern societies*, Poloity press.
- Glass, Gene V; McGaw, Barry; & Smith, Mary Lee. (1981). *Maetanalysis in Social Research*, Beverly Hills, CA, SAGE.
- Gurman, A.S. & Fraenkel, P. (2002). *The history of couple therapy: A millennial review*. Family Process.
- Hunter, J. E & Schmidt, F. L. (2004). *Methods of Meta Analysis: Correcting Error and Bias in Research Findings: (2nd ed.)*, New Bury Park, Sage Publication.
- Jakaymien, Matthijs. (1981). *Intermarriage and Homogamy: Patterns, Trends*, Unmu, Rev Sociol.
- Martin, sl. & Ong Tsui, S (1999). Domestic Violence in Northern India, *American Journal of Epidemiology* 150(4) 417-426.
- Merton,R. (1968). *Social theory and social structure*, New york: The free press
- Parsons, Talcott. (1902). social system, Brayans. Turner (Editor), london. Routledge.
- Polex, Holmes, and Baehler. (2007). *Meta-analysis of the relationship between marital quality and personal health*, New York, russeli sage found.
- Sutherland, Edwin H. (1947). *Principles of Criminology*, Philadelphia: Lippincott.
- Thibaut, J. W. & Kelley, H. (1959). *The social psychology of groups*. New York: Wiley
- Turner, J.H. (2008). *Costruction of Sociological Theory*: University of California
- Wallchuk, E. (1987). *Divorce in point of view of children*, Mankato, Minnesota.
- Young Mark E, Long Lynn L. (1988). *Counseling and Therapy for Couples*, London, routledg.